





به اهتمام

حزین (زهرا) خوش نظر

آبان ماه سال ۱۳۹۵

<http://hazzin.blogfa.com>

<https://telegram.me/hazinkhoshnazar>

فصل اول

واقعه‌ی عذیر خم



اهمیت حجه الوداع

هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم و خروج آن حضرت از مکه معظمه نقطه عطفی در تاریخ اسلام به شمار می آید و بعد از این هجرت، حضرت سه بار به مکه سفر کرده اند.

بار اول در سال هشتم پس از صلح حدبیه به عنوان عمره وارد مکه شدند و طبق قراردادی که با مشرکین بسته بودند فوراً بازگشتند.

بار دوم در سال نهم به عنوان فتح مکه وارد این شهر شدند، و پس از پایان برنامه‌ها و برچیدن بساط کفر و شرک و بت پرستی به طائف رفتد و هنگام بازگشت به مکه آمده و عمره بجا آوردند و سپس به مدینه بازگشتند.

سومین و آخرین بار بعد از هجرت که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم وارد مکه شدند در سال دهم هجری بعنوان حجه الوداع بود که حضرت برای اولین بار به طور رسمی اعلان حج دادند تا همه مردم در حد امکان حاضر شوند.

در این سفر دو مقصد اساسی در نظر بود، و آن عبارت بود از دو حکم مهم از قوانین اسلام که هنوز برای مردم به طور کامل و رسمی تبیین نشده بود: یکی **حج**،

و دیگری مسئله **خلافت و ولایت** و جانشینی بعد از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم.

آغاز سفر حج

پس از اعلان عمومی، مهاجرین و انصار و قبایل اطراف مدینه و مکه و حتی بلاد یمن و غیر آن بسوی مکه سرازیر شدند تا جزئیات احکام حج را شخصاً از پیامبر شان بیاموزند و در اولین سفر رسمی حضرت، به عنوان حج شرکت داشته باشند.

اضافه بر آنکه حضرت اشاراتی فرموده بودند که امسال سال آخر عمر من است و این می توانست باعث شرکت همه جانبیه مردم باشد.

جمعیتی حدود یکصد و بیست هزار نفر (گاهی بیشتر از آن را هم نقل کرده اند) در مراسم حج شرکت کردند که فقط هفتاد هزار نفر آنان از مدینه به همراه حضرت حرکت کرده بودند، بطوريکه لبیک گویان از مدینه تا مکه متصل بودند.

حضرت چند روز به ماه ذی الحجه مانده از مدینه خارج شدند و بعد از ده روز طی مسافت در روز سه شنبه پنجم ذی الحجه وارد مکه شدند.

امیر المؤمنین علیه السلام هم که قبل از طرف حضرت به یمن و نجران برای دعوت به اسلام و جمع آوری خمس و زکات و جزیه رفته بودند به همراه عده ای در حدود دوازده هزار نفر از اهل یمن برای ایام حج به مکه رسیدند.

با رسیدن ایام حج در روز نهم ذی الحجه حضرت به موقف عرفات رفتند و بعد از آن اعمال حج را یکی پس از دیگری انجام دادند، و در هر مورد واجبات و مستحبات آن را برای مردم بیان فرمودند.

خطابه اول در منی

در عرفات دستور الهی نازل شد که علم و ودایع انبیاء علیهم السلام را به **علی بن ابی طالب** علیه السلام منتقل کند و او را به عنوان خلیفه و جانشین خود معرفی کند.

در منی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم اولین خطابه خود را ایراد فرمودند که در واقع یک زمینه سازی برای خطبه غیر بود.

در این خطبه ابتدا اشاره به امنیت اجتماعی مسلمین از نظر جان و مال و آبروی مردم نمودند، و سپس خونهای بناحق ریخته شده و اموال بناحق گرفته شده در جاهلیت را رسماً مورد عفو قرار دادند تا کینه توزیها از میان برداشته شود و جو اجتماع برای تامین امنیت آماده شود. سپس مردم را بر حذر داشتند که مبادا بعد از او اختلاف کنند و بر روی یکدیگر شمشیر بکشند.

در اینجا تصريح فرمودند که:

اگر من نباشم **علی بن ابی طالب** در مقابل متخلفین خواهد ایستاد.

سپس **حیث تقلین** بر لسان مبارک حضرت جاری شد و فرمودند:

من دو چیز گرانبها در میان شما باقی می گذارم که اگر به این دو تماس کنید هرگز گمراه نمی شوید:

کتاب خدا و عترتم یعنی **اهل بیت**.

اشاره ای هم داشتند به اینکه عده ای از همین اصحاب من روز قیامت به جهنم برده می شوند.

نکته جالب توجه اینکه در این خطابه، **امیر المؤمنین علیه السلام** سخنان حضرت را برای مردم تکرار می کردند تا آنان که دورتر بودند بشنوند.

خطابه دوم در مسجد خیف در منی

در روز سوم از توقف در منی، بار دیگر حضرت فرمان دادند تا مردم در مسجد خیف اجتماع کنند.

در آنجا نیز خطابه ای ایراد فرمودند که ضمن آن صریحاً از مردم خواستند که گفته های ایشان را خوب به خاطر بسپارند و به غایبان برسانند.

در این خطبه به اخلاص عمل و دلسوزی برای امام مسلمین و تفرقه نینداختن سفارش فرمودند و تساوی همه مسلمانان در برابر حقوق و قوانین الهی را اعلام کردند.

بعد از آن بار دیگر متعرض مسئله خلافت شدند و **حیث تقلین** بر لسان حضرت جاری شد، و بار دیگر برای غیر زمینه را آماده کردند.

در این مقطع، منافقین کاملاً احساس خطر کردند و قضیه را جدی گرفتند و برنامه های خود را آغاز کردند و پیمان نامه نوشتند و هم قسم شدند.

لقب امیر المؤمنین

در مکه جبرئیل، لقب امیر المؤمنین را به عنوان اختصاص آن به **علی بن ابی طالب علیه السلام** از جانب الهی آورد، اگر چه این لقب قبلاً نیز برای آن حضرت تعیین شده بود.

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم هم دستور دادند تا یک یاک اصحاب نزد **علی علیه السلام** بروند و به عنوان امیر المؤمنین بو او سلام کنند و **السلام عليك يا امير المؤمنين** بگویند،

و بدینوسیله در زمان حیات خود، از آنان اقرار بر امیر بودن **علی علیه السلام** گرفت.

در اینجا ابوبکر و عمر به عنوان اعتراض به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم گفتند:

آیا این حقی از طرف خدا و رسولش است؟ حضرت غضبناک شده فرمودند:

حقی از طرف خدا و رسولش است، خداوند این دستور را به من داده است.

اعلان رسمی برای حضور در غدیر

با اینکه انتظار می‌رفت پیامبر خدا در اولین و آخرین سفر حج خود مدتها در مکه بمانند، ولی بلافصله پس از اتمام حج حضرت به منادی خود بلال دستور دادند تا به مردم اعلان کند: فردا کسی جز معلو لان نباید باقی بماند، و همه باید حرکت کنند تا در وقت معین در **غدیر خم** حاضر باشند.

غدیر کمی قبل از جحفه که محل افتراق اهل مدینه و اهل مصر و اهل عراق و اهل نجد بود به امر خاص الهی انتخاب شد. در این مکان، آبگیر و درختان کهن‌سالی وجود داشت.

هم اکنون نیز، غدیر محل شناخته شده ای در دویست و بیست کیلومتری مکه و به فاصله دو میل قبل از جحفه به طرف مکه قرار دارد، و مسجد غدیر و محل نصب امیر المؤمنین علیه السلام محل عبادت و زیارت زائران است.

برای مردم بسیار جالب توجه بود که پیامبرشان - بعد از ده سال دوری از مکه - بدون آنکه مدتها اقامت کنند تا مسلمانان به دیدارشان بیایند و مسایل خود را مطرح کنند، بعد از اتمام مراسم حج فوراً از مکه خارج شدند و مردم را نیز به خروج از مکه و حضور در غدیر امر نمودند.

صبح آن روز که پیامبر صلی الله علیه و الله و سلم از مکه حرکت کردند، سیل جمعیت که بیش از صد و بیست هزار نفر (و به قولی صد و چهل هزار، و به قول دیگر صد و هشتاد هزار نفر) تخمین زده می‌شدند به همراه حضرت حرکت کردند. حتی عده ای حدود دوازده هزار نفر از اهل یمن که مسیرشان به سمت شمال نبود همراه حضرت تا غدیر آمدند.

اجتماع خطابه و جزئیات خطبه

همین که به منطقه کراع الغمیم - که غدیر خم در آن واقع شده - رسیدند، حضرت مسیر حرکت خود را به طرف راست جاده و به سمت غدیر تغییر دادند و فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ

ای مردم، دعوت کننده خدا را اجابت کنید که من پیام آور خدایم.

و این کنایه از آن بود که هنگام ابلاغ پیام مهمی فرا رسیده است.

سپس فرمان دادند تا منادی ندا کند:

«همه مردم متوقف شوند و آنانکه پیش رفته اند بازگردند و آنانکه پشت سر هستند توقف کنند»

تا آهسته آهسته همه جمعیت در محل از پیش تعیین شده جمع گردند.

و نیز دستور دادند: کسی زیر درختان کهن‌سالی که در آنجا بود نزود و آن موضع خالی بماند.

پس از این دستور همه مرکبها متوقف شدند، و کسانی که پیشتر رفته بودند بازگشتد و همه مردم در منطقه غدیر پیاده شدند و هر یک برای خود جایی پیدا کردند، و کم کم آرام گرفتند.

شدت گرما در اثر حرارت آفتاب و داغی زمین سوزنده و به حدی ناراحت کننده بود که مردم و حتی خود حضرت گوشه ای از لباس خود را به سرانداخته و گوشه ای از آن را زیر پای خود قرار داده بودند، و عده ای از شدت گرما عبای خود را به پایشان پیچیده بودند.

از سوی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و الله و سلم سلمان و ابوذر و مقداد را فراخواندند و به آنان دستور دادند تا به

محل درختان کهنسال بروند و آنجا را آمده کنند. آنها خارهای زیر درختان را کنند و سنگهای ناهموار را جمع کرند و زیر درختان را جارو کرند و آب پاشیدند. در فاصله بین دو درخت روی شاخه ها پارچه ای انداختند تا سایبانی از آفتاب باشد، و آن محل برای برنامه سه روزه ای که حضرت در نظر داشتند کاملاً مساعد شود.

سپس در زیر سایبان، سنگهای را روی هم چیند و از رواندازهای شتران و سایر مرکبها هم کمک گرفتند و منبری به بلندی قامت حضرت ساختند و روی آن پارچه ای انداختند، و آنرا طوری بر پا کردند که نسبت به دو طرف جمعیت در وسط قرار بگیرد و پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم هنگام سخنرانی مشرف بر مردم باشد تا صدای حضرت به همه برسد و همه او را ببینند.

البته ربیعه بن امیه بن خلف کلام حضرت را برای مردم تکرار می کرد تا افرادی که دورتر قرار داشتند مطالب را بهتر بشونند.

پیامبر و امیر المؤمنین علیهم السلام بر فراز منبر

انتظار مردم به پایان رسید. ابتدا منادی حضرت ندای نماز جماعت داد، و سپس نماز ظهر را به جماعت خواندند.

بعد از آن مردم ناظر بودند که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بر فراز آن منبر ایستادند و امیر المؤمنین علیه السلام را فراخواندند و به ایشان دستور دادند بالای منبر بیابند و در سمت راستشان بایستند. قبل از شروع خطبه، امیر المؤمنین علیه السلام یک پله پایین تر بر فراز منبر در طرف راست حضرت ایستاده بودند.

سپس آن حضرت نگاهی به راست و چپ جمعت نمودند و منتظر شدند تا مردم کاملاً جمع شوند. پس از آمده شدن مردم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم سخنرانی تاریخی و آخرین خطابه رسمی خود را برای جهانیان آغاز کردند.

دو اقدام عملی بر فراز منبر

در اثناء خطبه، پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دو اقدام عملی بر فراز منبر انجام دادند که بسیار جالب توجه بود:

۱_ علی بن ابی طالب علیه السلام بر فراز دست پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پس از مقدمه چینی و ذکر مقام خلافت و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام، برای آنکه تا آخر روزگار راه هرگونه شک و شببه بسته باشد و هر تلاشی در این راه در نطفه خنثی شود، ابتدا مطلب را به طور لسانی اشاره کردند، و سپس به صورت عملی برای مردم بیان کردند. بدین ترتیب که ابتدا فرمودند:

باطن قرآن و تفسیر آنرا برای شما بیان نمی کند مگر این کسی که من دست او را می گیرم و او را بلند می کنم و بازویش را گرفته او را بالا می برم.

بعد از آن، حضرت گفته خود را عملی کردند، و بازوی **علی بن ابی طالب علیه السلام** را گرفتند.

در این هنگام امیر المؤمنین علیه السلام دست خود را به سمت صورت حضرت باز کردند تا آنکه دستهای هر دویشان به سوی آسمان قرار گرفت.

سپس پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم امیر المؤمنین علیه السلام را از جا بلند کردند تا حدی که پاهای آن حضرت محاذی زانوهای پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم قرار گرفت و مردم سفیدی زیر بغل آن دو را دیدند، که تا آن روز دیده نشده بود. در این حال فرمودند:

هر کس من مولی و صاحب اختیار اویم این علی مولی و صاحب اختیار اوست.

۲- بیعت با قلبها و زبانها

اقدام دیگر حضرت آن بود که چون بیعت گرفتن از فرد فرد آن جمعیت انبووه، از طرفی غیر ممکن بود و از سرهی دیگر امکان داشت افراد به بهانه های مختلف از بیعت شانه خالی گشته و حضور نیابند، و در نتیجه نتوان التزام عملی و گواهی قانونی از آنان گرفت، لذا حضرت در اوآخر سخنانشان فرمودند:

ای مردم، چون با یک کف دست و با این وقت کم و با این سیل جمعیت، امکان بیعت برای همه وجود ندارد، پس شما همگی این سخنی را که من می گویم تکرار کنید و بگویید:

ما فرمان تو را که از جانب خداوند درباره **علی بن ابی طالب و امامان** از فرزندانش به ما رساندی اطاعت می کنیم و به آن راضی هستیم، و با قلب و جان و زبان و دستمن با تو بر این مدعای بیعت می کنیم ... عهد و پیمان در این باره برای ایشان از ما، از قلبها و جانها و زبانها و ضمایر و دستمنان گرفته شد.

هر کس به دستش توانست و گرنه با زبانش بدان اقرار کرده است.

پیداست که حضرت، عین کلامی را که می بایست مردم تکرار گنند به آنان الفا فرمودند و عبارات آن را مشخص کردند تا هر کس به شکل خاصی برای خود اقرار نکند، بلکه همه به آنچه حضرت از آنان می خواهد التزام دهند و بر سر آن بیعت نمایند.

وقتی کلام پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پایان یافت همه مردم سخن او را تکرار گردند و بدینوسیله بیعت عمومی گرفته شد.

بیعت مردان

پس از پایان خطبه، مردم به سوی پیامبر و امیر المؤمنین صلوات الله علیهمما و آلهما هجوم آورند، و با ایشان به عنوان بیعت دست می دادند، و هم به پیامبر و هم به امیر المؤمنین علیهمما السلام تنویک و تهنیت می گفتند، و پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم هم می فرموندند:

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي فَصَّلَنَا عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

عبارت تاریخ چنین است:

پس از اتمام خطبه، صدای مردم بلند شد که:

آری، شنیدیم و طبق فرمان خدا و رسول با قلب و جان و زبان و دستمن اطاعت می کنیم. بعد به سوی پیامبر و امیر المؤمنین صلوات الله علیهمما و آلهما ازدحام کردند و برای بیعت سبقت می گرفتند و با ایشان دست بیعت می دادند.

برای آنکه رسمیت مسئله محکم تر شود، و آن جمعیت انبووه بتوانند مراسم بیعت را به طور منظم و برنامه ریزی شده ای انجام دهند، پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دستور دادند تا دو خیمه برپا شود. یکی را مخصوص خودشان

قرار دادند تا در آن جلوس نمایند، و امر کردند تا مردم جمع شوند.

پس از آن مردم دسته دسته در خیمه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم حضور می یافتد و با آن حضرت بیعت نموده و به او تبریک و تهنیت می گفتند.

سپس در خیمه مخصوص امیر المؤمنین علیه السلام حاضر می شدند و به عنوان امام و خلیفه بعد از پیامبرشان با او بیعت می کردند و به عنوان امیر المؤمنین بر او سلام می کردند، و این مقام والا را به آن حضرت تبریک و تهنیت می گفتند.

نکته قابل توجهی که در هیچیک از پیروزی های پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم - چه در جنگها و چه سایر مناسبتها و حتی فتح مکه - سراغ نداریم، این است که حضرت در روز غیر مکرر می فرمود:

به من تبریک بگویید، به من تهنیت بگویید، زیرا خداوند مرا به نبوت و اهل بیت را به امامت اختصاص داده است .

و این نشانه فتح بزرگ و در هم شکستن کامل سنگرهای کفر و نفاق است.

برنامه بیعت و تهنیت تا سه روز ادامه داشت، و این مدت را حضرت در غیر اقامت داشتند.

بسیار بجاست که در این مقطع به قطعه جالبی از تاریخ این بیعت اشاره کنیم:

اولین کسانی که در غیر با امیر المؤمنین علیه السلام بیعت نمودند و خود را از دیگران جلو انداختند همانهایی بودند که زودتر از همه آنرا شکستند و پیش از همه پیمان خود را زیر پا گذاشتند. آنان عبارت بودند از:

ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه و زبیر، که بعد از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم یکی پس از دیگری رو در روی امیر المؤمنین علیه السلام ایستادند.

جالب تر اینکه عمر بعد از بیعت این کلمات را بر زبان می راند:

افتخار برایت باد،

گوارایت باد ای پسر ابی طالب،

خوشابه حالت ای ابا الحسن، اکنون تو مولای من و مولای هر مرد و زن مومنی شده ای!

نکته دیگری که بار دیگر چهره دو رویان را روشن ساخت این بود که پس از امر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم همه مردم بدون چون و چرا با امیر المؤمنین علیه السلام بیعت می کردند، ولی ابوبکر و عمر با آنکه پیش از همه خود را برای بیعت به میان انداخته بودند قبل از بیعت به صورت اعتراض گفتند:

آیا این امر از طرف خداوند است یا از طرف رسولش (یعنی: از جانب خود می گویی)؟

حضرت فرمودند: از طرف خدا و رسولش است، و نیز فرمودند:

آری حق است از طرف خدا و رسولش که **علی امیر المؤمنین است**.

بیعت زنان

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دستور دادند تا ظرف آبی آورندند، و پرده ای زندگ که نیمی از ظرف آب در یک سوی پرده و نیم دیگر آن در سوی دیگر قرار بگیرد، تا زنان با قرار دادن دست خود در یک سوی آب، و قرار

دادن امیرالمؤمنین علیه السلام دستشان را در سوی دیگر با حضرت بیعت کنند؛ به این صورت بیعت زنان هم انجام گرفت.

همچنین دستور دادند تا زنان هم به حضرتش تبریک و تهنیت بگویند، و این دستور را درباره همسران خویش مؤکد داشتند.

یادآور می شود که بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از حاضرین در غدیر بودند.

همچنین کلیه همسران پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در آن مراسم حضور داشتند.

عمامه سحاب

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در این مراسم عمame خود را که سحاب نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر **امیرالمؤمنین علیه السلام** قرار دادند و انتهایی عمame را بر دوش آن حضرت آویزان نمودند و فرمودند:

عمامه تاج عرب است.

خود امیرالمؤمنین در این باره چنین فرموده اند:

پیامبر در روز غدیر خم عمame ای بر سرم بستند و یک طرفش را بر دوشم آویختند و فرمودند:

خداوند در روز بدرو حنین، مرا بوسیله ملائکه ای که چنین عمame ای به سر داشتند یاری نمود.

شعر غدیر

بخش دیگری از مراسم پر شور غدیر، درخواست حسان بن ثابت بود.

او به حضرت عرض کرد:

پا رسول الله، اجازه می فرمایید شعری را که درباره **علی بن ابی طالب** (به مناسبت این واقعه عظیم) سروده ام بخوانم؟

حضرت فرمودند: بخوان ببرکت خداوند.

حسان گفت:

ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضای پیامبر گوش کنید.

و سپس اشعاری را که در همانجا سروده بود خواند که به عنوان یک سند تاریخی از غدیر ثبت شد و به یادگار ماند. دیلاً متن عربی شعر حسان و سپس ترجمه آنرا معنی آوریم:

| | |
|---|--|
| أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ النَّبِيَّ مُحَمَّدًا | لَدَى دَوْحٍ خُمْ جَبَنَ قَامَ مُنَابِيَاً |
| وَقَدْ جَاءَهُ جِبْرِيلُ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ | بِأَنَّكَ مَعْصُومٌ فَلَا تَكُ وَانِيَا |

وَ بِلْغُهُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ رَبُّهُمْ
 عَلَيْكَ فَمَا بَلَغُهُمْ عَنِ الْأَهْمَمْ
 فَقَامَ بِهِ إِذَا دَاكَ رَافِعًا كَفَهُ
 فَقَالَ لَهُمْ مَنْ كُنْتُ مُولَاهُ مِنْكُمْ
 فَمُولَاهُ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَ إِنِّي
 فَيَا رَبَّ مَنْ وَالَّى عَلَيْنَا فَوَاللهِ
 وَ يَا رَبَّ فَانصُرْ نَاصِرِي لِنَصْرِهِمْ
 وَ يَا رَبَّ فَاخْذُنْ خَادِلِيهِ وَ كُنْ لَهُمْ

وَ إِنْ أَنْتَ لَمْ تَنْقُلْ وَ حَادَرْتَ بَاغِيَا
 رِسَالَتِهِ إِنْ كُنْتَ تَحْشِي الْأَعْادِيَا
 بِيُمْنَى بَدَيْهِ مُعْلِنَ الصَّوْتِ عَالِيَا
 وَ كَانَ لِغُولِي حَافِظًا لِيُسَنَ نَاسِيَا
 بِهِ لَكُمْ دُونَ الْبَرِيَّةِ رَاضِيَا
 وَ كُنْ لِلَّذِي عَادَى عَلَيْنَا مُعَادِيَا
 إِمامَ الْهُدَى كَالْبَرِ يَجْلُو الدَّيَاجِيَا
 إِذَا وَقْفُوا يَوْمَ الْحِسَابِ مُكَافِيَا

آیا نمی دانید که محمد پیامبر خدا صلی الله علیه و اله و سلم کنار درختان غدیر خم با حالت ندا ایستاد، و این در حالی بود که جبرئیل از طرف خداوند پیام آورده بود که در این امر سنتی مکن که تو محفوظ خواهی بود، و آنچه از طرف خداوند بر تو نازل شده به مردم برسان، و اگر نرسانی و از ظالمان بترسی و از دشمنان حذر کنی رسالت پروردگارشان را نرسانده ای.

در اینجا بود که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دست **علی علیه السلام** را با دست راست بلند کرد و با صدای بلند فرمود:

هر کس از شما که من مولای او هستم و سخن مرا بیاد می سپارد و فراموش نمی کند،

مولای او بعد از من **علی** است، و من فقط به او – نه به دیگری – به عنوان جانشین خود برای شما راضی هستم.

پروردگارا هر کس علی را دوست بدارد او را دوست بدار،

و هر کس با علی دشمنی کند او را دشمن بدار.

پروردگارا یاری کنندگان او را یاری فرما بخاطر نصرت‌شان امام هدایت کننده ای را که در تاریکیها مانند ماه شب چهارده روشی می بخشد.

پروردگارا خوار کنندگان او را خوار کن و روز قیامت که برای حساب می ایستند خودت جزا بده.

ظهور جبرئیل در غدیر

مسئله دیگری که پس از خطبه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پیش آمد و بار دیگر حجت را بتو همگان تمام کرد، این بود که مردی زیبا صورت و خوشبوی را دیدند که در کنار مردم ایستاده بود و می گفت:

بخدا قسم، روزی مانند امروز هرگز ندیدم. چقدر کار پسر عمومیش را مؤکد نمود، و برای او پیمانی بست که جز کافر به خداوند و رسولش آنرا بره نمی زند. و ای بر کسی که پیمان او را بشکند.

در اینجا عمر نزد پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم آمد و گفت: شنیدی این مرد چه گفت؟!

حضرت فرمودند: آیا او را شناختی؟ گفت: نه.

حضرت فرمودند:

او روح الامین جبرئیل بود.

تو مواظب باش این پیمان را نشکنی، که اگر چنین کنی خدا و رسول و ملائکه و مومنان از تو بیزار خواهند بود!

معجزه غدیر، امضای الهی

واقعه عجیبی که به عنوان یک معجزه، امضای الهی را بر خط پایان غدیر ثبت کرد جریان حارت فهری بود.

در آخرین ساعات از روز سوم، او به همراه دوازده نفر از اصحابش نزد پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم آمد و گفت:

ای محمد! سه سوال از تو دارم:

آیا شهادت به یگانگی خداوند و پیامبری خودت را از جانب پروردگارت آورده ای یا از پیش خود گفتی؟

آیا نماز و زکات و حج و جهاد را از جانب پروردگار آورده ای یا از پیش خود گفتی؟

آیا این **علی بن ابی طالب** که گفتی **مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهٌ**... از جانب پروردگار گفتی یا از پیش خود گفتی؟

حضرت در جواب هر سه سوال فرمودند:

خداوند به من وحی کرده است و واسطه بین من و خدا جبرئیل است و من اعلام کننده پیام خدا هستم و بدون اجازه پروردگارم خبری را اعلام نمی کنم.

حارت گفت:

خدایا اگر آنچه محمد می گوید حق و از جانب توست سنگی از آسمان بر ما ببار یا عذاب دردنگی بر ما بفرست.

و در روایت دیگر چنین است:

خدایا، اگر محمد در آنچه می گوید صادق و راستگو است شعله ای از آتش بر ما بفرست.

همین که سخن حارت تمام شد و برای افتاد خداوند سنگی را از آسمان بر او فرستاد که از مغزش وارد شد و از ذُرُش خارج گردید و همانجا او را هلاک کرد.

در روایت دیگر: ابر غلیظی ظاهر شد و رعد و بر قی بوجود آمد و صاعقه ای رخ داد و آتشی فرود آمد و همه دوازده نفر را سوزانید.

بعد از این جریان، آیه سَأَلَ سَائِلٍ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱) لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲) ... نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به اصحابش فرمودند: آیا دیدید و شنیدید؟ گفتد: آری.

و با این معجزه، بر همگان مسلم شد که غدیر از منبع وحی سرچشمہ گرفته و یک فرمان الهی است.

پایان مراسم غدیر

بدین ترتیب پس از سه روز، مراسم پایان پذیرفت و آن روزها به عنوان ایام الولایه در ذهنها نقش بست.

گروهها و قبائل عرب، هر یک با دنیابی از معارف اسلام، پس از وداع با پیامبرشان و معرفت کامل به جانشین او راهی شهر و دیار خود شدند، و پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم عازم مدینه گردید.

خبر واقعه غدیر در شهرها منتشر شد و به سرعت شایع گردید و به گوش همگان رسید، و بدینگونه خداوند حجتش را بر مردم تمام کرد.



بخش دوم



حمد و شای الهی

حمد و سپاس خدایی را که در یگانگی خود بلند مرتبه، و در تنها بی و فرد بودنش نزدیک است.

در قدرت و سلطه خود با جلالت و در ارکان خود عظیم است.

علم او به همه چیز احاطه دارد در حالی که در جای خود است،

و همه مخلوقات با قدرت و برهان خود تحت سیطره دارد.

همیشه مورد سپاس بوده و همچنان مورد ستایش خواهد بود.

صاحب عظمتی که از بین رفتني نیست.

ابتدا کننده و بازگرداننده اوست و هر کاری به سوی او باز می گردد.

به وجود آورنده بالا برده شده ها (آسمان ها و افلاک) و پهن کننده گسترده ها (زمین)،

یگانه حکمران زمین ها و آسمان ها،

پاک و منزه و تسبیح شده، پروردهگار ملائکه و روح، تفضل کننده بر همه آنچه خلق کرده،

و لطف کننده بر هر آنچه به وجود آورده است.

هر چشمی زیر نظر اوست ولی چشم ها او را نمی بینند.

گرم کننده و بردبار و تحمل کننده است.

رحمت او همه چیز را فرا گرفته و با نعمت خود بر همه آنها منت گذارده است.

در انتقام گرفتن خود عجله نمی کند و به آنچه از عذابش که مستحق آنند مبادرت نمی ورزد.

باطن ها و سریره هارا می فهمد و ضمایر را می داند،

و پنهان ها بر او مخفی نمی ماند و مخفی ها بر او مشتبه نمی شود.

او راست احاطه بر هر چیزی و غلبه بر همه چیز و قوت در هر چیزی و قدرت بر هر چیزی،

و مانند او شیئی نیست.

اوست به وجود آورنده شي (چیز) هنگامی که چیزی نبود.

دائم و زنده است، و به قسط و عدل قائم است. خداوندی جز او که با عزت و حکیم است نیست.

بالاتر از آن است که چشمها او را درک کنند ولی او چشمها را درک می کند و او لطف کننده و آگاه است.

هیچکس نمی تواند با دیدن به صفت او راه یابد، و کسی به چگونگی او از سر و آشکار دست نمی یابد،

مگر به آنچه خود خداوند عزوجل راهنمایی کرده است.

گواهی می دهم به او که اوست خدا، خدایی که قُدس و پاکی و منزه بودن او روزگار را پر کرده است.

او که نورش ابدیت را فرا گرفته است.

او که دستورش را بدون مشورت کننده ای اجرا می کند و در تقدیرش شریک ندارد و در تدبیرش کمک نمی شود.

آنچه ایجاد کرده بدون نمونه و مثالی تصویر نموده و آنچه خلق کرده بدون کمک از کسی و بدون زحمت و بدون احتیاج به فکر و حیله خلق کرده است.

آنها را ایجاد کرد پس به وجود آمدند و خلق کرد پس ظاهر شدند.

پس اوست خدایی که جز او خدایی نیست. صنعت او محکم و کار او زیباست.

عادلی که ظلم نمی کند و کرم کننده ای که کارها به سوی او باز می گردد

شهادت می دهم اوست خدایی که همه چیز در مقابل عظمت او تواضع کرده و همه چیز در مقابل عزّت او ذلیل شده و همه چیز در برابر قدرت او سر تسلیم فرود آورده و همه چیز در برابر هیبت او خاضع شده اند

پادشاه پادشاهان و گرداننده افلاک و مسخر کننده آفتاب و ماه، که همه با زمان تعیین شده در حرکت هستند.

شب را بر روی روز و روز را بر روی شب می گرداند، که به سرعت در پی آن می رود.

در هم شکننده هر زور گوی با عناد، و هلاک کننده هر شیطان سر پیچ و متمرد.

برای او ضدّی و همراه او معارضی نبوده است.

یکتا و بی نیاز است. زاییده نشده و نمی زاید، و برای او هیچ همتایی نیست. خدای یگانه و پروردگار با عظمت.

می خواهد پس به انجام می رساند، و اراده می کند پس مقرر می نماید، و می داند پس به شماره می آورد.

می میراند و زنده می کند، فقیر می کند و غنی می نماید، می خنداند و می گریاند،

نزدیک می کند و دور می نماید، منع می کند و عطا می نماید.

پادشاهی از آن او و حمد و سپاس برای اوست.

خیر به دست اوست و او بر هر چیزی قادر است.

شب را در روز و روز را در شب فرو می برد.

نیست خدایی جز او که با عزت و آمرزنده است.

اجابت کننده دعا، بسیار عطا کننده دعا، شمارنده نفوس ها و پروردگار جن و بشر،

که هیچ امری بر او مشکل نمی شود، و فریاد دادخواهان او را منجز نمی کند، و اصرار اصرار کننگانش او را خسته نمی نماید. نگهدارنده صالحین و موفق کننده رستگاران و صاحب اختیار مومنان و پروردگار عالمیان.

خدایی که از آنچه خلق کرده مستحق است که او را در هر حالی شکر و سپاس گویند.

او را سپاس بسیار می گوییم و دائمً شکر می نمایم، چه در آسایش و چه در گرفتاری، چه در حال شدت و چه در حال آرامش.

و به او و ملائکه اش و کتاب ها و پیامبرانش ایمان می آورم.

دستور او را گوش می دهم و اطاعت می نمایم و به آنچه او را راضی می کند مباررت می ورم و در مقابل مقدرات او تسلیم می شوم بعنوان رغبت در اطاعت او و ترس از عقوبت او،

چرا که اوست خدایی که نمی تواند از مکر او در امان بود و از ظلم او هم ترس نداریم (یعنی ظلم نمی کند).

فرمان الهی برای مطلبی مهم

برای خداوند بر نفس خود به عنوان بندگی او اقرار می کنم، و شهادت می دهم برای او به پروردگاری،

و آنچه به من وحی نموده ادعا می نمایم از ترس آنکه مبادا اگر آنجام ندهم عذابی از او بر من فرود آید که هیچکس نتواند آن را دفع کند، هر چند که حیله عظیمی بکار بند و دوستی او خالص باشد.

نیست خدایی جز او.

زیرا خداوند به من اعلام فرموده که اگر آنچه در حق علی بر من نازل نموده ابلاغ نکنم رسالت او را

نرسانده ام، و برای من حفظ از شر مردم را ضمانت نموده و خدا کفایت کننده و کریم است.

خداوند به من چنین وحی کرده است:

ای پیامبر ابلاغ کن آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده – درباره **علی**، یعنی خلافت **علی بن ابی طالب** – و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می کند.

ای مردم!

من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده کوتاهی نکردم،

و من سبب نزول این آیه را برای شما بیان می کنم:

جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام - که او سلام است - مرا مامور کرد که در این اجتماع پیا خیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که:

علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است.

نسبت او به من همانند هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست.

و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است.

و خداوند این آیه از کتابش را بر من نازل کرده است:



صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده و نماز را بپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

و **علی بن ابی طالب** است که نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده و در حال خداوند عزوجل را قصد می کند.

من از جبرئیل در خواست کردم از خدا بخواهد تا مرا ابلاغ این مهم معاف بدارد،

زیرا از کمی متلقن و زیادی منافقین و فساد ملامت کنندگان و حبله های مسخره کنندگان اسلام اطلاع دارم،

کسانی که خداوند در کتابش آنان را چنین توصیف کرده است که با زبانشان می گویند آنچه در قلبهاشان نیست، و این کار را سهل می شمارند در حالی که نزد خداوند عظیم است.

همچنین به خاطر اینکه منافقین بارها مرا اذیت کرده اند تا آنجا که مرا اُذن «گوش دهنده بر هر حرفی» نامیدند، و گمان کردند که من چنین هستم به خاطر ملازمت بسیار **علی** با من و توجه من به او و تمایل او و قبولش از من، تا آنکه خداوند عزوجل در این باره چنین نازل کرد:

از آنان کسانی هستند که پیامبر را اذیت می کنند و می گویند او اُذن «گوش دهنده به هر حرفی» است، بگو: گوش است - بر ضد کسانی که گمان می کنند او اُذن است. و برای خود خیر است، به خدا ایمان می آورد و در مقابل مومنین اظهار تواضع و احترام می نماید، و برای کسانی از شما که ایمان آورده اند رحمت است؛ و کسانی که پیامبر را اذیت می کنند عذاب درد ناکی در انتظارشان است.

اگر من بخواهم گویندگان این نسبت اُذن را نام ببرم می توانم، و اگر بخواهم به شخص آنها اشاره کنم می نمایم، و اگر بخواهم با عالم آنها را معرفی کنم می توانم، ولی به خدا قسم من در کار آنان با بزرگواری رفتار کرده ام.

بعد از همه اینها، خداوند از من راضی نمی شود مگر آنچه در حق **علی** بر من نازل کرده ابلاغ نمایم.

ای پیامبر برسان آنچه - در حق **علی** - از پروردگارت بر تو نازل شده و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می کند.

اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام

ای مردم!

این مطلب را درباره او بدانید و بفهمید، و بدانید که خداوند او را برای شما صاحب اختیار و امامی قرار داده که اطاعت شرط ای خواهی نموده است بر مجاهدین و انصار بر تابعین آنان به نیکی، و بر روستایی و شهری، و بر عجمی و عربی، و بر آزاد و بنده، و بر بزرگ و کوچک، و بر سفید و سیاه، بر هر یکتاپرستی حکم او اجرا شونده و کلام او مورد عمل و امر او نافذ است.

هر کس با او مخالفت کند ملعون است، و هر کس تابع او باشد و او را تصدیق نماید مورد رحمت الهی است. خداوند او را و هر کس را که از او بشنود و او را اطاعت کند آمرزیده است.

ای مردم!

این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بپا می ایstem.

پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر پروردگارستان سر تسلیم فرود آورید، چرا که خداوند عزوجل صاحب اختیار شما و معبد شماست،

و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده،

و بعد از من **علی** صاحب اختیار شما و **امام** شما به امر خداوند است،

و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهد کرد.

حالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و امامان حلال کرده باشدند،

و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و امامان بر شما حرام کرده باشند.

خدای عزوجل حلال و حرام را به من شناسانده است،

و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته به او سپرده ام.

ای مردم!

علی را (بر دیگران) فضیلت دهید.

هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آن را در من جمع کرده است، و هر علمی را که آموخته ام در امام المتقین جمع نموده ام، و هیچ علمی نیست مگر آنکه آن را به **علی** آموخته ام.

اوست امام **میین** که خداوند در سوره **بیس** ذکر کرده است:

و هر چیزی را در امام میین جمع کردیم.

ای مردم!

از **علی** به سوی دیگری گمراه نشوید، و از او روی بر مگردانید و از ولایت او سر باز نزنید.

اوست که به حق هدایت نموده و از آن نهی می نماید، و در راه خدا سرزنش ملامت کننده ای او را مانع

نمی شود. **علی** اول کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچکس در ایمان به من بر او سبقت نگرفت.

اوست که با جان خود در راه رسول خدا فداکاری کرد.

اوست که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عباشت نمی کرد.

از طرف خداوند به او امر کردم که درخوابگاه من بخوابد،

او هم در حالی که جانش را فدای من کرده بود در جای من خوابید.

ای مردم!

او را فضیلت دهید که خدا او را فضیلت داده است، و او را قبول کنید که خداوند او را منصوب نموده است.

ای مردم!

او از طرف خداوند امام است،

و هر کس ولایت او را انکار کند خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد،

حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید چنین کند و او را به عذابی شدید تا ابديت تا آخر روزگار معذب نماید.

پس بپرهیزید از اینکه با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی شوید که آتشگیره آن مردم و سنگ ها هستند و برای کافران آماده شده است.

ای مردم!

به خدا قسم پیامبران و رسولان پیشین بهامن بشارت داده اند، و من به خدا قسم خاتم پیامبران و مرسلین و حجت بر همه مخلوقین از اهل آسمان ها و زمین ها هستم.

هر کس در این مطالب شک کند مانند کفر جاهلیت اول کفار شده است؛

و هر کس در چیزی از این گفتار من شک کند در همه ی آنچه بر من نازل شده شک کرده است،

و هر کس در یکی از امامان شک کند در همه آنها شک کرده است، و شک کننده درباره ما در آتش است.

ای مردم!

خداوند این فضیلت را بر من ارزانی داشته که متنی از او بر من و احسانی از جانب او به سوی من است. خدایی جز او نیست.

حمد و سپاس از من بر او تا ابديت و تا آخر روزگار و در هر حال.

ای مردم!

علی را فضیلت دهید که او افضل مردم بعد از من از مرد و زن است تا مدامی که خداوند روزی را نازل

می کند و خلق باقی هستند.

معلوم است ملعون است. مورد غصب است مورد غصب است ، کسی که این گفتار مرا رد کند و با آن موافق نباشد.

بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می گوید:

«هرکس با **علی** دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد لعنت و غصب من بر او باد».

هر کس ببیند برای فردا چه پیش فرستاده است.

از خدا بترسد که با **علی** مخالفت کنید و در نتیجه قدمی بعد از ثابت بودن آن بلغزد،

خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.

ای مردم!

علی «جنب الله» است که خداوند در کتاب عزیزش ذکر کرده و درباره کسیکه با او مخالفت کند فرموده است:

ای حسرت بر آنچه درباره جنب خداوند تفریط و کوتاهی کردم.

ای مردم!

در قرآن تدبیر نمایید و آیات آن را بفهمید و در محکمات آن نظر کنید و به دنبال متشابه آن نروید.

به خدا قسم، باطن آن را برای شما بیان نمی کند و نفسیرش را برایثان روشن نمی کند مگر این شخصی که دست او را می گیرم و او را به سوی خود بالا می برم و بازوی او را می گیرم و با دو دستم او را بلند می کنم و به شما می فهمانم که

هر کس من صاحب اختیار اویم این **علی** صاحب اختیار اوست و او **علی بن ابی طالب** برادر و جانشین من است، و ولایت او از خداوند عزوجل است که بر من نازل کرده است.

ای مردم!

علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند ، و **قرآن** ثقل اکبر است.

هر یک از این دو از دیگری خبر می دهد و با هم موافق هستند.

آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند.

بدانید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.

بدانید که من ادا نمودم، بدانید که من ابلاغ کردم، بدانید که من شنوانیدم، بدانید که من روشن نمودم،

بدانید که خداوند فرموده است و من از جانب خداوند عزوجل می گویم،

بدانید که امیرالمؤمنین جز این برادرم نیست.

بدانید که امیرالمؤمنین بودن بعد از من برای احدي جز او حلال نیست.

بلند کردن امیرالمؤمنین علیه السلام بدهست رسول خدا صلی الله علیه و اله

سپس پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دستش را بر بازوی **علی علیه السلام** زدند و آن حضرت را بلند کردند.

و این در حالی بود که **امیرالمؤمنین علیه السلام** از زمانی که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بر فراز منبر آمده بودند یک پله پایین تر از مکان حضرت ایستاده بودند و نسبت به صورت حضرت به طرف راست مایل بود که گویی هر دو در یک مکان ایستاده اند.

پس پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم با دستشان ایشان را بلند کردند و هر دو دست را به سوی آسمان باز نمودند و **علی علیه السلام** را از جا بلند نمودند تا حدی که پای ایشان موازی زانوی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم رسید. سپس فرمودند:

ای مردم!

این **علی** است برادر من و وصی من و جامع علم من، و جانشین من در امتم بر آنان که به من ایمان آورده اند،

و جانشین من در تفسیر کتاب خداوند عزوجل و دعوت به آن و عمل کننده به آنچه او را راضی می کند،

و جنگ کننده با دشمنان خدا و دوستی کننده بر اطاعت او و نهی کننده از معصیت او.

اوست خلیفه رسول خدا، و اوست **امیرالمؤمنین** و امام هدایت کننده از طرف خداوند،

و اوست قاتل ناکثین و قاسطین و مارقین به امر خداوند.

خداؤند می فرماید: سخن در پیشگاه من تغییر نمی پذیرد.

پرودگارا، به امر تو می گوییم:

خداؤندا دوست بدار هر کس علی را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس علی را دشمن بدارد،

و یاری کن هر کس علی را یاری کند و خوار کن هر کس علی را خوار کند،

و لعنت نما هر کس علی را انکار کند و غصب نما بر هر کس که حق علی را انکار نماید.

پرودگارا،

تو هنگام روشن شدن این مطلب و منصوب نمودن علی در این روز، این آیه را درباره او نازل کردی:

امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین شما راضی شدم. فرمودی:

دین نزد خدا اسلام است و فرمودی:

هر کس دینی غیر از اسلام انتخاب کند هرگز از او قبول نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود.
پرودگارا، تو را شاهد می گیرم که من ابلاغ نمودم.

تاكيد بر توجه امت به مسنله امامت

ای مردم!

خداؤند دین شما را با امامت او کامل نموده، پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفقن به پیشگاه خداوند عزوجل، چنین کسانی اعمالش در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود. عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و به آنها مهلت داده نمی شود.

ای مردم!

این علی است که یاری کننده ترین شما نسبت به من و سزاوارترین شما به من و نزدیک ترین شما به من؛

خدای عزوجل و من از او راضی هستیم.

هیچ آیه رضایتی در قرآن نازل نشده مگر درباره او،

هیچگاه خداوند مومنین را مورد خطاب قرار نداده مگر آنکه ابتدا او مخاطب بوده است،

و هیچ آیه مدحی در قرآن نیست مگر درباره او،

و خداوند در سوره «هلْ آتی» شهادت به بهشت نداده مگر برای او، و این سوره جز او را مدح نکرده است.

ای مردم!

او یاری دهنده دین خدا و دفاع کننده از رسول خداست، و اوست با تقوایی پاکیزه هدایت کننده هدایت شده.

پیامرتان بهترین پیامبر و وصی تان بهترین وصی و فرزندان او بهترین اوصیاء هستند.

ای مردم!

نسل هر پیامبری از صلب خود او هستند ولی نسل من از صلب **امیر المؤمنین علی** است.

ای مردم!

شیطان آدم را با حسد از بهشت بیرون کرد. مبادا به **علی** حسد کنید که اعمالتان نابود شود و قدم هایتان بلغزد.

آدم به خاطره یك گناه به زمین فرستاده شد در حالی که انتخاب شده خداوند عزوجل بوده، پس شما چگونه خواهید بود در حالی که شما باید و در بین شما دشمنان خدا هستند.

بدانید که با **علی** دشمنی نمی کند مگر بی تقوی و به او ایمان نمی آورد مگر مومن مخلص.

به خدا قسم سوره والعصر درباره **علی** نازل شده است:

قسم به عصر، انسان در زیان است مگر **علی** که ایمان آورد و به حق و صبر راضی شد.

ای مردم!

من خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ نمودم، و بر عهده رسول جز ابلاغ روشن چیزی نیست.

ای مردم!

از خدا بترسید آن گونه که باید ترسید و از دنیا نروید مگر آنکه مسلمان باشید.

اشارة به کارشکنی های منافقین

ای مردم!

ایمان آورید به خدا و رسولش و به نوری که همراه او نازل شده است، قبیل از آنکه هلاک کنیم و جوھی را و آن صورت ها را به پشت بر گردانیم یا آنان را مانند اصحاب سبت لعنت کنیم.

ای مردم!

نور از جانب خداوند عزوجل در من نهاده شده و سپس در **علی بن ابی طالب** و بعد در نسل او تا **مهدي قائم**،

که حق خداوند و هر حقی که برای ما باشد می گیرد،

چرا که خداوند عزوجل ما را بر کوتاهی کنندگان و بر معاندان و مخالفان و خائنان و گناهکاران و ظالمان و غاضبان از همه عالمیان حجت قرار داده است.

ای مردم!

شما را می ترسانم و انذار می نمایم که من رسول خدا هستم، و قبیل از من پیامبران بوده اند.

آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم شما عقب گرد می نمایید؟

هر کس به عقب بر گردد به خدا ضرری نمی رساند، و خداوند به زودی شاکرین و صابرین را پاداش می دهد.
بدانید که **علی** است توصیف شده به صبر و شکر، و بعد از او فرزندانم از نسل او چنین اند.

ای مردم!

با اسلامتان بر من منت مگذارید، بلکه بر خدا منت نگذارید، که اعمالتان را نابود می نماید و بر شما غصب

می کند و شمارا به شعله ای از آتش و مس گداخته مبتلا می کند. پروردگار شما در کمین است.

ای مردم!

بعد از من امامانی خواهند بود که به آتش دعوت می کنند و روز قیامت کمک نمی شوند.

ای مردم!

خداوند و من از آنان بیزار هستیم.

ای مردم!

آنان و پارانشان و تابعینشان و پیروانشان در پایین ترین درجه آتش اند و چه بد است جای متکبران.

بدانید که آنان اصحاب صحیفه هستند، پس هر یک از شما در صحیفه خود نظر کند.

راوی گوید:

وقتی پیامبر (ص) نام «اصحاب صحیفه» را آورد اکثر مردم منظور حضرت را نفهمیدند و برایشان سوال انگیز شد، و فقط عده کمی مقصود حضرت را فهمیدند.

ای مردم!

من امر خلافت را به عنوان امامت و وراثت آن در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می سپارم،

و من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم تا حجت باشد بر حاضر و غایب و بر همه کسانی که حضور دارند، به دنیا آمده اند یا نیامده اند.

پس حاضران به غائیان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

و به زودی امامت را بعد از من به عنوان پادشاهی و با ظلم و زور می گیرند.

خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند.

و در آن هنگام است. ای جن و انس- که می ریزد برای شما آنکه باید بریزد و می فرستد بر شما شعله ای از آتش و مس گداخته و نمی توانید آن را از خود دفع کنید.

ای مردم!

خداوند عزوجل شما را به حال خود رها نخواهد کرد تا آنکه خبیث را از پاکیزه جدا کند،

و خداوند شما را بر غیب مطلع نمی کند.

ای مردم!

هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آنکه در اثر تکذیب (اهل آن آیات الهی را) خداوند قبل از روز قیامت آنان را هلاک خواهد کرد و آن را تحت حکومت امام مهدی خواهد آورد، و خداوند و عده خود را عملی می نماید.

ای مردم!

قبل از شما اکثر پیشینیان هلاک شدند، و خداوند آنها را هلاک نمود و اوست که آیندگان را هلاک خواهد کرد.

خدای تعالی می فرماید:

آیا ما پیشینیان را هلاک نکردیم؟ آیا در پی آنان دیگران را نفرستادیم؟ ما با مجرمان چنین می کنیم.

وای بر مکذبین در آن روز

ای مردم!

خداوند مرا امر و نهی نموده است،

و من هم به امر الهی **علی** را امر و نهی نموده ام، و علم امر و نهی نزد اوست.

پس امر او را گوش دهید تا سلامت بمانید، و او را اطاعت کنید تا هدایت شوید و نهی او را قبول کنید تا در راه درست باشد، و به سوی مقصد و مراد او بروید، و راه های بیگانه شما را از راه او منحرف نکند.

پیروان اهل بیت علیهم السلام و دشمنان ایشان

ای مردم!

من راه مستقیم خداوند هستم که شما را به پیروی آن امر نموده، و سپس **علی** بعد از من، و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایت اند، به حق هدایت می کنند و به یاری حق به عدالت رفتار می کنند.

سوره حمد درباره من نازل شده، و به خدا قسم درباره ایشان (امامان) نازل شده است.

به طور عموم شامل آنان است و به طور خاص درباره آنان است.

ایشان دوستان خدایند که ترسی بر آنان نیست و محزون نمی شوند، بدانید که حزب خداوند غالب هستند.

بدانید که دشمنان ایشان سفهاء گمراہ و برادران شیاطین اند که اباظلی را از روی غور به یکدیگر می رسانند.
بدانید که دوستان اهل بیت کسانی اند که خداوند در کتابش آنان را یاد کرده و فرموده است:

نمی یابی قومی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده باشند، و در عین حال با کسانی که با خدا و رسولش ضدیت دارند روی دوستی داشته باشند، اگر چه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا فامیلشان باشند. آنان اند که ایمان در قلبشان نوشته شده و خداوند آنان را با وحی از خود تایید فرموده و ایشان را به بهشتی وارد می کند که از پایین آن نهرها جاری است و در آن راضی است و آنان راضی هستند.

آلن حزب خداوند هستند. بدانيد که حزب خدا رستگارند.

بدانيد که دوستان اهل بيت کسانی اند که خداوند عزوجل آنان را توصيف کرده و فرموده است:

کسانی که ايمان آورده و ايمانشان را با ظلم نپوشانده اند، آنان اند که برايشان امان است و آنان هدایت ياقتگان اند. بدانيد که دوستان ايشان کسانی اند که ايمان آورده اند و به شک نيقناده اند. بدانيد که دوستان ايشان کسانی اند که با سلامتی و در حال امن وارد بهشت می شوند، و ملائكه با سلام به ملاقات آنان می آيند و می گويند:

سلام بر شما، پاکيزه شديد، پس براي هميشه داخل بهشت شويد.

بدانيم که دوستان ايشان کسانی هستند که بهشت براي آنان است و در آن بدون حساب روزي داده می شوند.
بدانيد که دشمنان اهل بيت کسانی اند که به شعله هاي آتش وارد می شوند.

بدانيد که دشمنان ايشان کسانی اند که از جنهم در حالي که می جوشد صدای وحشتaki می شنود و شعله کشیدن آرا می بینند.

بدانيد که دشمنان ايشان کسانی اند که خداوند درباره او آنان فرموده است:

هر گروهي که داخل (جنهم) می شوند همتاي خود را العنت می کنند، تا آنکه همه آنان در آنجا به يكديگر می پيونند آخرين آنان با اشاره به اولين آنان می گويند:

پروردگارا، اينان ما را گمراه کردند؛ پس عذاب دو چندان از آتش به آنان نازل کن.

خدا می فرماید: براي هر دو گروه عذاب مضاف است ولی شما نمی دانيد.

بدانيد که دشمنان ايشان کسانی اند که خداوند عزوجل می فرماید:

هرگاه گروهي را در جنهم می اندازد خزانه داران دوزخ از ايشان می پرسند: آيا ترساننده اي براي شما نیامد؟
مي گويند: بلي، براي ما نذير و ترساننده آمد ولی ما او را تکنیب کردیم و گفتیم: خداوند هیچ چیز نازل نکرده است،

و شما در گمراهي بزرگ هستید.

و می گویند: اگر می شنیدم یا فکر می کردیم از اصحاب آتش نبودیم. به گناه خود اعتراف کردند.

پس دور بلشنده اصحاب آتش.

بدانيد که دوستان اهل بيت کسانی هستند که در پنهاني از پروردگارشان می ترسند و براي آنان مغفرت و اجر بزرگ است.

ای مردم!

چقدر فاصله است بین شعله های آتش و بین اجر بزرگ

ای مردم!

دشمن ما کسی است که خداوند او را نکوهش کرده و او را لعنت کرده ،

و دوست ما کسی است که خداوند او را مدح نموده و دوستش بدارد.

ای مردم! بدانید که من نذیر و ترساننده ام و علی بشارت دهنده است.

ای مردم! بدانید که من مُنذر و بر حذر دارنده ام و علی هدایت کننده است.

ای مردم! من پیامبرم و علی جانشین من است.

ای مردم!

بدانید که من پیامبرم و علی امام و وصی بعد از من است،

و امامان بعد از او فرزندان او هستند. بدانید که من پدر آنام و آنها از صلب او به وجود می آیند.

حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف

بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست.

اوست غالب بر ادیان،

اوست انتقام گیرنده از ظالمین.

اوست فاتح قلعه ها و منهدم کننده آنها.

اوست غالب بر هر قبیله ای از اهل شرک و هدایت کننده آنان.

بدانید که اوست انتقام گیرنده همه خون های اولیاء خدا.

اوست یاری دهنده دین خدا.

بدانيد که اوست استقاده کننده از دریابی عمیق.

اوست که هر صاحب فضیلتی را بیقدر فضلش و هر صاحب جهالتی را به جهش نشانه می دهد.

اوست وارث هر علمی و احاطه دارنده به هر فهمی.

بدانيد که اوست خبر دهنده از پرودگارش، و بالا برنده آیات الهی.

اوست هدایت یافته محکم بنیان.

اوست که کارها به او سپرده شده است.

اوست که پیشینیان به او بشارت داده اند.

اوست که به عنوان حجت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست.

هیچ حقی نیست مگر همراه او، و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

بدانيد او کسی است که غالباً بر او نیست و کسی بر ضد او کمل نمی شود.

اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده او بین خلقش و امین او بر نهان و آشکارش.

مطرح کردن بیعت

ای مردم!

من برایتان روشن کردم و به شما فهانیدم، و این **علی** است که بعد از من به شما می فهاند.

بدانيد که من بعد از پایان خطابه ام شما را به دست دادن با من به عنوان بیعت با او و اقرار به او،

و بعد از من به دست دادن با خود او فرامی خوانم

بدانيد که من با خدا بیعت کرده ام و **علی** با من بیعت کرده است،

و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم.

خداوند می فرماید:

کسانی که با تو بیعت می کنند، دست خداوند بر روی دست آنان است.

پس هر کس بیعت را بشکند بر ضرر خود اوست،

و هر کس به آنجه با خدا عهد بسته وفادار باشد خداوند به او اجر عظیمی عنایت خواهد کرد.

حلال و حرام، واجبات و محرمات

ای مردم!

حج و عمره از شعائر الهی هستند، خداوند می فرماید:

هر کس به خانه خدا به عنوان حج یا عمره بباید برای او اشکالی نیست که بر صفا و مروه بسیار طوف کند،

و هر کس کار خبری را بدون چشم داشتی انجام دهد خداوند سپاسگزار داناست.

ای مردم!

به حج خانه خدا بروید. هیچ خاندانی به خانه خدا وارد نمی شود مگر آنکه مستغفی می گردد و شاد می شوند،

و هیچ خاندانی آن را ترک نمی کنند مگر آنکه منقطع می شوند و فقیر می گردند.

ای مردم!

هیچ مومنی در موقف (عرفات، مشعر، منی) وقف نمی کند مگر آنکه خداوند گناهان گذشته او را تا آن وقت

می آمرزد،

و هرگاه که حجش پایان یافت اعمالشان را از سر می گیرد.

ای مردم!

حاجیان کمک می شوند و آنجه خرج می کنند به آنان باز می گردد،

و خداوند جزای محسنهین را ضایع نمی نماید.

ای مردم!

با دین کامل و با تفکه و فهم به حج خانه خدا بروید و از آن مشاهد مشرفه جز با توبه و دست کشیدن از گناه بر مکررید.

ای مردم!

نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید همانطور که خداوند عزوجل به شما فرمان داده است و اگر زمان طویلی بر شما گذشت و کوتاهی نمودید یا فراموش کردید، **علی** صاحب اختیار شماست و برای شما بیان می کند،

او که خداوند عزوجل بعد از من عنوان امین بر خلقش او را منصوب نموده است.

او از من است و من از اویم.

او و آنان که از نسل من اند آنچه را نمدانید برای شما بیان می کنند.

بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من همه آنها را بشمارم و معرفی کنم و بتوانم در یک مجلس به همه حلال ها دستور دهم و از همه حرام ها نهی کنم و پس مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدhem بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عزوجل درباره **امیر المؤمنین علی** و جانشینان بعد از او آورده ام که نسل من و اویند، و آن موضوع امامتی است که فقط در آنها بپا خواهد بود، و آخر ایشان **مهدي** است تاروzi که خدای مدبر قضا و قدر را ملاقات کند.

ای مردم!

هر حلالی که شما را بدان راهنمایی کردم و هر حرامی که شما را از نهی نمودم، هرگز از آنها بر نگشته ام و تغییر نداده ام.

این مطلب را به یاد داشته باشید و آن را تبدیل نکنید و تغییر ندهید.

من سخن خود را تکرار می کنم: نماز را بپا دارید زکات را بپردازید و به کار نیک امر کنید و از منكرات نهی نمایید.

بدانید که بالاترین امر به معروف آن است که سخن مرا بفهمید و آنرا به کسانی که حاضر نیستند برسانید و او را از طرف من به قبولش امر کنید و از مخالفتشان نهی نمایید، چرا که این دستوری از جانب خداوند عزوجل و از نزد من است،

و هیچ امر به معروف و نهی از منکری نمیشود مگر با **امام** مقصوم.

ای مردم!

قرآن به شما می‌شناساند که امام بعد از **علی** فرزندان او هستند و من هم به شما شناساندم که آنان از نسل من و از نسل اویند.

آنجا که خداوند در کتابش می‌فرماید:

آن (امامت) را به عنوان کلمه باقی در نسل او قرار داد، و من نیز به شما گفتم: اگر به آن دو (قرآن و اهل بیت) تمسک کنید هر گز گمراه نمی‌شود.

ای مردم!

تقوی را، تقوی را. از قیامت بر حذر باشید همانگونه که خدای عزوجل فرموده:
زلزله قیامت شی عظیمی است.

مرگ و معاد و حساب و ترازوهای الهی و حسابرسی در پیشگاه رب العالمین و ثواب و عقاب را به یاد آورید.

هر کس حسنہ با خود بیاورد طبق آن ثواب داده می‌شود،

و هر کس گناه بیاورد در بهشت او را نصیبی نخواهد بود.

بیعت گرفتن رسمی

ای مردم!

شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید،
و پروردگارم را مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم درباره آنچه منعقد نمودم برای **علی**
امیر المؤمنین و امامانی که بعد از او می‌آیند و از نسل من و اویند، چنانکه به شما فهماندم که فرزندان من از
صلب اویند.

پس همگی چنین بگویید:

ما شنیدیم و اطاعت می کنیم و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم درباره آنچه از جانب پروردگار ما و خودت به ما مرساندی درباره امر امامت اماممان **علی امیرالمؤمنین** و امامانی که از صلب او به دنیا می آیند.

بر این مطلب با قلب و با جان و با زبان و دستانمان با تو بیعت می کنیم.

بر این عقیده زنده ایم و به آن می میریم و (روز قیامت) با آن محشور می شویم.

تغییر نخواهیم داد تبدیل نمی کنیم و شک و انکار نمی نماییم و تردید به دل راه نمی دهیم و از این قول

بر نمی گردیم و پیمان را نمی شکنیم.

تو ما را به موعظه الهی نصیحت نمودی درباره **علی امیرالمؤمنین** و امامانی که گفتی بعد از او از نسل تو و فرزندان او بیند،

یعنی **حسن و حسین** و آنان که خداوند بعد از آن دو منصوب نموده است.

پس برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از قلب هایمان و جان و زبان و ضمائر و دستهایمان.

هر کس توانست با دست بیعت می نماید و گرنه با زبانش اقرار می کند.

هرگز در پی تغییر این عهد نیستیم و خداوند در این باره از نفسهایمان دگرگونی نمی نماید.

ما این مطالب را از قول تو به نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیلیمان می رسانیم.

و خدا را بر آن شاهد می گیریم.

خداوند در شاهد بودن کفایت می کند و تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی.

ای مردم!

چه می گویید؟ خداوند هر صدایی را و پنهان های هر کسی را می داند.

پس هر کس هدایت یافت به نفع خودش است و هر کس گمراه شده است،

و هر کس بیعت کند با خداوند بیعت می کند. دست خداوند بر روی بیعت کنندگان است.

ای مردم!

با خدا بیعت نمایید و با **علی امیرالمؤمنین** و **حسن و حسین** و امامان از ایشان در آخرت،

به عنوان امامتی که در نسل ایشان باقی است بیعت کنید.

خداؤند بیعت شکنان را هلاک و وفاداران را مورد رحمت قرار می دهد،

و هر کس بیعت را بشکند به ضرر خویش شکسته است، و هر کس به آنچه با خدا پیمان بسته وفا کند خداوند به او اجر عظیمی عنایت می فرماید.

ای مردم!

آنچه به شما گفتم بگویید (تکرار کنید)، و به **علی** به عنوان «امیر المؤمنین» سلام کنید و بگویید:

شنیدیم و اطاعت کردیم. پرودگارا مغفرت تو را می خواهیم و بازگشت به سوی تو سنت.

و بگویید: حمد و سپاس خدای را که ما را به این راه هدایت کرد، و اگر خداوند هدایت نمی کرد ما هدایت

نمی شدیم.

فرستادگلن پرودگارمان به حق آمده اند.

ای مردم!

فضایل **علی بن ابی طالب** نزد خداوند. که در قرآن آن را نازل کرده. بیش از آن است که همه را در یک مجلس بشمارم.

پس هر کس درباره آنها به شما خبر داد و معرفت آن را داشت او را تصدیق کنید.

ای مردم!

هر کس خدا و رسولش و **علی** و امامانی را ذکر کردم اطاعت کند به رستگاری بزرگ دست یافته است.

ای مردم،

کسانی که برای بیعت با او و قبول ولایت او و سلام کردن به عنوان «امیر المؤمنین» با او، سبقت بگیرند آنان رستگارند و در باغ های بهشت خواهند بود.

ای مردم!

سخنی بگویید که به خاطر آن خداوند از شما راضی شود،

و اگر شما و همه کسانی که در زمین هستند کافر شوند به خدا ضرری نمی رسانند. خدایا، به خاطر آنچه
ادا کردم و امر نمودم مؤمنین را بیامرز و بر منکرین که کافرند غصب نما،
و حمد و سپاس مخصوص خداوند عالم است.



بخش سوم

بخشی از فضائل حضرت علی علیه السلام

۱ _ ازدواج آسمانی

ازدواج حضرت علی(ع) با حضرت فاطمه(ع) به فرمان خداوند، از امتیازاتی است که رسول اکرم(ص) بر آن مباحثت می کرد. در این پیوند پر میمنت، فرشتگان آسمان در سرور و شادمانی، و بهشتیان به زینت و زیور آراسته شده بودند.

۲ _ خطبه خلافت

خلافت (ظاهری) حضرت علی(ع) با ایراد اولین خطبه در مسجد مدینه پس از بیست و پنج سال سکوت

آغاز شد.

۳ _ بخشش انگشت

حضرت علی(ع) در رکوع نماز انگشت خویش را به سائل عطا فرمودند و جبرئیل این پیام را آورد:
ای محمد! بخوان: سرپرست شما فقط خدا و رسول اوست و کسانیکه با ایمان به خدا نماز به پا داشته و
در حال رکوع صدقه دادند. مائد، ۵۵

۴ _ حدیث بساط

رویداد سیر فضائی حضرت علی(ع) همچون سلیمان پیغمبر در بساط با جمعی از مدینه تا غار اصحاب
کهف از فضائی است که داستان شگفت انگیز آن در کتب فریقین آمده است.

۵ _ عقد اخوت

پیمان برادری رسول اکرم(ص) با امیر مؤمنان را مورّخین چنین آورده اند:

با نزول آیه اخوت(حجرات: ۱۰) پیامبر عده ای از اصحاب را بنا بر درجه ایشان با یکدیگر برادر
خواند و حضرت علی(ع) را برای خود نگه داشت و دست او را بلند نموده و فرمود:

«هذا اخى فى الدنيا و الآخرة.» این برادر من در دنيا و آخرت است.

۶ _ آيه مباھله

جريان مباھله با نصارای نجران رخدادی عظیم در تاریخ اسلام است.

قرآن کریم در این باره می فرماید:

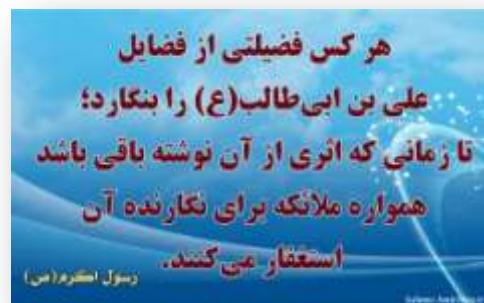
«بیانید تا بخوانیم فرزندان و زنان و نفسهایمان را با یکدیگر» (آل عمران: ۵۹)

همراهی علی(ع) با پیغمبر(ص) در این مباھله نهایت فضل و رتبه ایشان را می رساند.

زیرا خداوند او را نفس و جان پیغمبر معرفی می کند.

۷ _ نزول آیه هل اتی

حضرت علی(ع) با سه روزه گرفتن، غذای خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشید و با آب افطار
نمود، و به افتخار این ایثار، جبرئیل بدایبلغ تهنیت بر چنین اهل بیتی سوره هل اتی (انسان) را در شأن
آن حضرت بر پیغمبر نازل کرد.



بخش چهارم

ولایت عشق

و در فرمان غدیر آئُلُّوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ بر صحیفه نبوت محمدی، مهر و امضای ولایت علوی زده شد

که این هر دو از هم جدا نبودند که در غدیر به هم پیوسته باشند.

خمخاره‌ی غدیر علوی شراباً طهورایی بود که به فرمان الهی در کام تشرنے‌ی عاشقان کوثر ولایت ریخته شد

و تا ابد جان‌های مشتاق آنان را مست خم غدیر نمود که:

هر دو جهان و قدسیان مست خم غدیر او

هلله‌ی ملائکه می‌رسد از عید علی

و بزم غدیر بود، و جام ولایت،

و ساقی حضرت علی علیه السلام،

و میکده‌ای به وسعت دل‌های شیعه،

که در همه جای تاریخ جام‌های ولایت به دستشان،

و بانگ نوشانوشن ملائک هفت گبید را تسخیر کرده است.

و مگر آدم علیه السلام پس از گناه نخستین به واسطه ولایت علی علیه السلام و فرزندان مطهرش توبه‌اش پذیرفته نشد؟

فَلَقَى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ قَتَابَ عَلَيْهِ^۱

(پس فراگرفت آدم از پروردگارش کلماتی را پس توبه‌اش پذیرفته شد.)

و این کلمات آیا جز نام‌های مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله

و فاطمه سلام الله علیها

و حضرت علی علیه السلام

و فرزندان پاک او بود؟

^۱ - بقره، آیه ۲۷.

چشم‌هی کوثر در دستان **علی‌السلام** است.

و کوثر جان‌های تشنه را سیراب می‌کند و دامن‌های آلوده به گناه را می‌شوید.

به خدا قسم اگر انیاء در قلب‌هایشان محبت **علی‌السلام** و فرزندان او نبود ،

محال بود قدم به این جهان گذارده و مشعل هدایت بدست بگیرند.

ولایت **امیر المؤمنین علی‌السلام** عهدنامه‌ای است که تمام اولیاء خدا آن را در روز است امضا کردند.

و علم او دریابی بی‌نهایت ،

و سینه‌اش پر از سخن ،

و لبانش تلاؤ نور ،

و به این مردمان کر و کور و گنگ بانگ می‌زد:



بپرسید از من پیش از آنکه مرا نیابید.

و پیش از او هیچکس سلونی نگفته بود ،

و بعد از او به شهادت تاریخ هر کس پا از گلیم فهم خویش فراتر نهاد و سلونی گفت مقتضح روزگار گردید.

و زمین پر از قصه است و زمانه پر از غصه‌ها و اندوه‌های جانکاه **علی‌السلام**.

و **علی‌السلام** سر به نخلستان‌ها می‌گذاشت و دل درمند خویش را بدنبال می‌کشید و زیر لب زمزمه می‌کرد:

«به خدا شکایت می‌برم از مردمی که در ندانی زندگی می‌کنند و گمراه می‌میرند.»

و محبت **علی‌السلام** داروی درمندان ،

و ذکر نامش توان زانوان خسته و مرهم جان‌های سوخته ،

و **عشق** او نورانیت قلب‌ها و روشنایی دیدگان.

و سینه از **عشق** او بیتاب و طور سینه جایگاه محبت او.

و نامش قلم را بیتاب میکند ، و از نوشتن میماند ،

که کلمات حیرتر از آنند که بتوانند از عهده‌ی وصف او برآیند.

و شراب محبت او در جام کوچک کلام نمیگنجد ،

اما دل شیعه سرمست و سرشار از شراب محبت او.

و کائنات همه سر بر مهر او نهاده ،

و زمین به مهر او میگردد ،

و آسمان به عشق او میبارد.

ولایت امیر المؤمنین علیه السلام آفرینش را مست و شیدا ،

و چه میگوییم که هستی به محبت او از دیار عدم سره بر کشید ،

و جام ولایت او نوشید ،

و مستانه در مدار عشق او میچرخد.

و **عشق** او اکسیر حیات ،

و نامش دم مسیحایی است که زندگی جاودان میبخشد.

علی علیه السلام ید بیضای الهی است.

و اگر **غدیر** نبود ، دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا قیامت ناتمام که

الیوم اکملت لكم دینکم.

و اگر **علی علیه السلام** نبود دل هیچ غنچه‌ای شوق شکفتن نداشت.

و خورشید سرد و بیفروغ ، و زمین ظلمتکده‌ای بود سرد و بینور ،

و دل آسمان تا بیانتها سرد و تاریک ،

که هیچ فرشته‌ای نبود تا بال به کبریا بگشاید و تسبیح و تقدیس پروردگار گوید.

و چه می‌گوییم که اگر **علی‌السلام** نبود دل آفرینش سرد و تمهی ،

و جهان یکسره در دیار عدم سر به بالش نیستی نهاده ،

و هیچ موجودی سر از دیار عدم برنمی‌کشید ،

و اگر **علی‌السلام** نبود خداوند همچنان ناشناخته و تنها.

و **عشق** جوهره‌ی هستی ،

و **عشق** اکسیر حیات ،

و خداوند او را از **عشق** خویش آفرید.

و نه قبل از خلقت آدم ،

که قبل از خلقت هر موجودی ،

و فرشتگان به طفیل او آفریده شدند ،

و زمین و آسمان‌های هفتگانه ،

و عرش الهی و هر چه که در آنهاست، همه و همه،

به طفیل او از دیار عدم سر بر کشیدند و خیمه در صحرای هستی زدند.

و انبیاء جز بر ولایت او کلامی نگفتد و آیتی نخواندند.

و کشتی نوح جز با نام مقدس پنج تن از جای خویش حرکت نکرد.

و اگر مریم سلام الله عليها بر ولایت او نبود ، خداوند از روح خویش در او نمی‌دمید.

و عیسیٰ **علی‌السلام** اگر در گهواره سخن گفت جز با ولایت او نبود.

و ابراهیم **علی‌السلام** با نام او مرغان را از فراز کوهها ندا داد ،

و آنها به ندایش لبیک گفته و اجزاء در هم آمیخته شده‌ی آنان ، جز با نام مقدس او تکمیل نیافت و جان نگرفت.

و موسی علیه السلام با نام و ولایت او سحر ساحران را در هم کوبید ، و نیل را از هم شکافت.

و صالح علیه السلام با نام و ولایت او ناقه‌اش را که آیت پروردگار بود از دل کوه خارج ساخت.

و کوه اگر بر ولایت او نبود چگونه ناقه از دلش زاده می‌شد.

و جبرئیل علیه السلام اگر بر ولایت او نبود ،

با چه نیرویی و چگونه می‌توانست امین وحی الهی باشد و همدم و همنشین رسولان او.

و یونس علیه السلام اگر نام **علی علیه السلام** را نمی‌برد هنوز در شکم ماهی محبوس ، و جهان و جهانیان از او بی‌خبر.

و در دل یوسف علیه السلام اگر محبت و ولایت **علی علیه السلام** نبود هنوز در قعر چاه بود ،

و مصر و مصریان از دین ما رویش در حجاب.

دل زمین و آسمان پر از محبت اوست ، و کائنات جز بر مدار **عشق** او نمی‌چرخد.

و ما مسافریم و بی‌تاب

و سفر نور می‌خواهد و ذکر نام **علی علیه السلام** خورشید دل‌ها.

و شراب طهور کلماتش در خمخانه‌ی نهج البلاغه ،

و جام سخن در دستان یدالهی اوست ،

و می‌نوشاند به هر تشنۀ کام و عطشناکی که خواهان نوشیدن باشد.

و سکر کلمات قدسی‌اش جان‌ها را به مستی می‌نشاند،

و سفره‌ی او پر است از مائدۀ های آسمانی که بر آسمان دلهایمان بی‌هیچ دریغی فرو می‌بارند.

و حکمت را از سرچشم‌های می‌نوشیم که جان‌های تشنۀ را سیراب می‌کند.

و **خداآنده** سرشار از **عشق علی علیه السلام** که **عشق** را از نام او خلق کرد.

عين عشق عين على شیر خداست

شین **عشق** شهد شهادت را رواست

قاضی الحاجات قاف **عشق** بود

پس خود الله عشق عشق بود

قاف را نتوان تو معنی کردنی

پس چه رو خواهی ز من اسرار بیرون کردنی

و در این وادی پای قلم لندگ، و کلمات بس کوتاه و حقیر.

و نام مقدس او دریای می، که در جام سخن نمی‌گنجد.

و قلم مست، و کلمه مست، و کلام مست، و سخن بیتاب و بیقرار و مست،

و در کائنات نام **علیه السلام** است که تکرار می‌شود.

و شور زندگی در رگ هر برگ،

و شوق شفقتن بر لبان هر غنچه،

و آواز هر پرنده در پهنه نیلگون آسمان،

و ترنم رود،

و آواز باد،

و همهمه موج،

و سکوت دشت،

و تلاؤ خورشید،

و نجوای ستاره در دل آسمان،

و تنهایی ماه،

و حریر نقره فام مهتاب،

و چرخش مستانه زمین،

و زمین مست ، و آسمان مست ، و دل کائنات بیتاب و بیقرار و مست،

و بر لبان ملائک نام **علی (علی السلام)** است که تکرار میشود.

و کعبه تجلیگاه نور ولادتش،

و نماز جلوهگاه عبادتش،

و ذوالقار مظهر عدالتش که:



و محراب بستر شهادتش، که نماز میان دو لبس بود و جانش در معراج.

و مسجد کوفه بود و ماه که به دو نیمه شده بود.

و خون از رگ **عشق** میجوشید .

و عنقای بلند پرواز روح ملکوتی اش در حال رهایی از قفس تن.

و دلش تجلیگاه **عشق** بود و جانش در فوز عظیم الهی که خود فرمود:



(بخدای کعبه رستگار شدم).

و سپیده‌ی سحر جامه‌ی خونین شفق پوشید و دل زمین سوگوار خورشید.

و ملکوت و ملکوتیان دیده به راه ،

و دلهاشان فرش قدمش،

و جنت از شوق دیدارش سبزترین جامه‌ی خویش را در بر کرده ،

و سرزمین سبز قدسیان سرشار از رایحه‌گل‌های سرخ محمدی و بوی پاس.

و کعبه در سوگش چادر سیاه به سر کشید،

و زمین نقاب شب در چهره کشید،

و خاکیان به سوگ عزیزترین اولاد آدم نشستند.

و کوفه بود و بچه‌های یتیم و کاسه‌های شیر.

و امیر المؤمنین علیه السلام بود و دلش در شوق دیدار دوست بی‌تاب و بیقرار.

و فاطمه سلام الله علیها بود و ردای سبز عشق برازنده‌ی قامت دلجویش.

و در کنارش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و هودج نور.

و ملانک صف اندر صف ،

به استقبال زیباتوین سیمای ملکوتی عشق،

از آسمانی‌ترین نقطه‌ی بهشت تا خانه‌ی علی علیه السلام سوار بر مرکب نور،

و همگی رکابدار سلطان عشق.

و بالین علی علیه السلام ،

و بستریش ،

و خانه‌ی کوچکش،

و کوفه ،

و آسمان مکه و مدینه ،

و تمام زمین،

دوباره پر از رایحه‌ی یاس ، و عطر جانبخش گل‌های سرخ محمدی ، و بوی گلاب.

و زینب سلام الله علیها جامه‌ی سیاه اندوه به قامت خویش ،

در هودج صبر نشست.

و اینک دختر یکدانه‌ی فاطمه سلام الله علیها ،

که مهتاب شب‌های پدر بود و زینت خانه‌اش ،

در سوگ پدر.

و امام حسن و امام حسین که سلام و درود خداوندی بر آنان باد ،

تسلیم امر خداوندی.

و چون سیمای عشق و عدالت رخ در نقاب خاک کشید ،

و جان ملکوتی‌اش در حریم ستر ملکوت فی مقعد صدق عند مليک مقتدر مقیم گشت ،

فرزند برنایش ،

امام و مقتدای شیفتگان ولایت علوی بالوای مظلومیت سبز ،

حسن بن علی علیه السلام ،

به خطبه ایستاد و خداوند را ستود و بر او ثنا گفت و بر پیامبر درود فرستاد ، و سپس فرمود:

«هان امتب مردی درگذشت که پیشینیان به او نرسیده‌اند و آیندگان هرگز مانند او را نخواهند دید.

کسی که نبرد می‌کرد و جیرئیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ او بودند.

بخدا قسم در همان شری وفات کرد که موسی بن عمران درگذشت و عیسی به آسمان برده شد و قرآن نازل گردید.^۲

و پس از **علیٰ علیه السلام** زمین بیتیم گشت ،

و زمان تنها ماند ،

و آسمان پر از ستاره‌های غربت.

و پس از **علیٰ علیه السلام** ،

دیو جهل و نیرنگ بود که بر جان آدمیان حکم می‌راند ،

و مردمان در زیر لوای خدعا و تزویر ،

جان‌های تشننه‌ی خوبیش را به سراب سپردند ،

و در کویر جهل خوبیش به هلاکت افتادند.



يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَلَى بْنَ أَبِي طَالِبٍ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خُلْقِهِ
يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا

إِنَّ تَوَجَّهَنَا وَاسْتَشْفَعَنَا وَتَوَسَّلَنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ
وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا
يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

^۲ - تاریخ یعقوبی، جلد دوم، ص ۱۴۰.

اللَّهُمَّ عَلِّمْنَا مُحَمَّدَ وَآلَّهُمَّ اعْلَمْنَا



بخش پنجم

از آدم تا خاتم، از شیث تا علی

بر طبق تواریخ اسلامی و کتب دینی گذشتگان تمامی پیامبران الهی از آدم تا به خاتم دارای وصی بوده اند.

نام وصی آدم، "هبة الله" بود که به زبان عبرانی، "شیث" است.

وصی ابراهیم "اسماعیل"، وصی یعقوب "یوسف"، و وصی موسی "یوشع بن نون بن افرائیم بن یوسف" می باشد که همسر موسی بر ضد او شورش نمود.

وصی عیسی نیز "شمعون" نام داشت.

ما در اینجا تنها به یادآوری داستان ۳ تن از اوصیاء مذکور، بسنده می کنیم.

یعقوبی (یکی از مورخین بزرگ اسلامی)، درباره وصیت آدم به شیث می گوید:

"هنگامی که مرگ آدم فرارسید، "شیث" را وصی خود گردانید."

طبری (صاحب تاریخ الرسل و الملوك) نیز می گوید:

"هبة الله يا به زبان عبرانی "شیث"، وصی آدم بود و وصیت او را نوشت و او در آنچه گذشت، وصی پدرش آدم بود".

ابن اثیر و ابن کثیر نیز در عباراتی مجزا می گویند:

"تفسیر شیث، هبة الله است که وصی آدم بود و چون وفات آدم فرا رسید، شیث را وصی خود قرار داد".

همانگونه که ذکر گردید، وصی عیسی، "شمعون" نام داشت.

شمعون در تورات با نام "شمعون" آمده و در انجیل متی، باب ۱۰، درباره او می گوید:

"سپس ۱۲ شاگرد خود را طلبید و ایشان را بر ارواح پلید، قدرت داد که آنها را بیرون کنند و هر بیماری و رنجی را شفا دهن. نامهای ۱۲ رسول چنین اند: اول شمعون معروف به پطرس . . . "

در انجیل یوحنا، باب ۲۱، شماره ۱۸ - ۱۵، آمده است که عیسی او را وصی خود قرار داد و به وی گفت:

"گوسفدانم را شبانی کن" ، کنایه از اینکه مؤمنان به مرا، سرپرستی نما.

و در قاموس کتاب مقدس نیز آمده که : "مسيح او را برای هدایت کنيسه (عبداتگاه مسيحيان)، تعين نمود".

اما "يوشع بن نون" که وصی موسی است. در ماده "يوشع" قاموس کتاب مقدس به نقل از تورات گوید:

"يوشع بن نون با موسی در کوه سینا بود و به عبادت گوسله در عهد هارون آلوده نگردید."

حتی جالبتر آنست که نص داستان تعیین و معرفی او بوسیله موسی در باب ۲۷ سفر اعداد کتاب مقدس این چنین آمده است:

" و موسی به خداوند عرض کرده گفت:

ملتمس اینکه "يهوه" ، خدای ارواح تمامی بشر ، کسی را بر این جماعت بگمارد ، که پیش روی ایشان بیرون رود و پیش روی ایشان داخل شود و ایشان را بیرون برد و ایشان را درآورد تا جماعت خداوند، مثل گوسفدان بی شبان نباشد.

و خداوند به موسی گفت: يوشع بن نون را که مردی صاحب روح است، گرفته، دست خود را بر او بگزار ،

و او را به حضور "العازار کاهن" و به حضور تمامی جماعت برپا داشته در نظر ایشان به وی وصیت نما ،

و از عزت خود بر او بگزار تا تمامی جماعت بنی اسرائیل او را اطاعت نمایند.

و او به حضور العازار کاهن بایستد تا از برای او به حکم "اوریم" ، به حضور خداوند سؤال نماید و به فرمان وی، او و تمامی بنی

اسرائیل با وی و تمامی جماعت بیرون روند و به فرمان وی داخل شوند.

پس موسی به نوعی که خداوند او را امر فرموده بود، عمل نموده یوشع را گرفت و او را به حضور العازار کاهن و به حضور تمامی جماعت بر پا داشت، و دستهای خود را بر او گذاشتند او را به طوری که خداوند به واسطه موسی گفته بود، وصیت نمود.

داستان قیام و اقدام او به کار بنی اسرائیل و جنگهای وی، در ۲۳ باب "سفر یوشع بن نون" آمده است.

خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز پیامبری نو ظهور و جدائی از پیامبران پیشین تبود تا امت خویش را بدون تعیین "وصی" و "ولی امر" رها سازد.

او همان کسی است که جامعه اسلامی کوچک مدینه را به هنگام غیبت خویش، یک لحظه هم بدون رهبر رها ننمود و هر بار که شهر مدینه را حتی برای مدتی کوتاه ترک می نمود، شخصی را به جانشینی خویش منصوب می داشت

آری، محل است که خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگر رسولان خدا، جامعه اسلامی را برای همیشه تاریخ رها سازند و "ولی امر" پس از خود را تعیین ننمایند.

نه تنها پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رهبر جامعه و وصی خویش را معین نمود، بلکه از این جهت نیز شبهاتهای

شگفت انگیزی با پیامبران دیگر دارد.

به عنوان نمونه، همانگونه که ذکر شد، یوشع بن نون با موسی در "طور سینا" بود و به گوسله پرستی آلوه نگردید و خداوند به موسی فرمان داد تا او را وصی پس از خود گرداند تا بندگان خدا همانند گوسفدان بی شبان نباشد.

امام علی علیه السلام نیز با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در "غار حرا" بود و هرگز به بت پرستی آلوه نگردید.

همانگونه که موسی از جانب پروردگار مأمور گشت تا در حضور مردم، وصی خویش را معرفی کند،

خداوند خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) را نیز فرمان داد تا در بازگشت از "حجۃ الوداع"، امام **علی علیه السلام** را فراروی حاجیان، "ولی امر" امت پس از خود تعیین نماید و امت را پس از خویش بدون صاحب رها نسازد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در "غدیر خم" این فرمان را با صدائی رسای اعلام داشت و **علی علیه السلام** را ولی عهد پس از خود قرار داد.

بدین طریق آنچه که درباره همانندی امت با بنی اسرائیل فرموده بود که:

"هر چه بر بنی اسرائیل رسید، بر امت من نیز می رسد" ، راست و صادق آمد.

(بر گرفته از کتاب گرانقدر "معالم المدرسین" ، تألیف: علامه سید مرتضی عسکری (با اندکی تصرف)



متن خطبه عذر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَدَنَا فِي تَفْرِيدِهِ وَجَلَ فِي سُلْطانِهِ وَعَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَاحْاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَهُوَ فِي مَكَانِهِ وَقَهَّ جَمِيعَ الْخَلْقِ
بِقُوَّتِهِ وَبِرْهَانِهِ،

حَمِيداً لَمْ يَرَلِ، مَحْموداً لَيَرَالِ (وَ مَجِيداً لَيَرَوْلِ، وَمَبْدِنَا وَمُعِيداً وَ كُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ).

بَارِئُ الْمُسْمُوكَاتِ وَدَاهِيُ الْمَدْحُوَاتِ وَجَبَارُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، قُدُّوسُ سُبُّوحٍ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُفْضَلٌ عَلَى جَمِيعِ مَنْ بَرَأَهُ، مُتَطَوَّلٌ عَلَى جَمِيعِ مَنْ أَثْسَأَهُ.

يُلْحَظُ كُلُّ شَيْءٍ وَالْعَيْوْنُ لَا تَرَاهُ.

كَرِيمٌ حَلِيمٌ دُؤَانِاتٍ، قَدْ وَسَعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتَهُ وَمَنْ عَلَيْهِمْ بِنَعْمَتِهِ، لَا يَعْجَلُ بِإِنْقَامِهِ، وَلَا يَبْدِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحْفَفَهُ مِنْ عَذَابِهِ، فَدَفَعَهُمُ السَّرَّايرَ وَعِلْمُ الصَّمَانِيرَ، وَلَمْ تَخْفَ عَلَيْهِ الْمَكْنُونَاتُ وَلَا اسْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْخَفَيَاتُ. لَهُ الْإِحْاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْقُلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْفَدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَلَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ. وَهُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءٌ دَانِمٌ حِيٌّ وَقَانِمٌ بِالْقِسْطِ، لِإِلَهٍ إِلَّا هُوَ الْغَرِيزُ الْحَكِيمُ.

جَلَّ عَنْ أَنْ تُذَرِّكَ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ الْلَطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا يُلْحَقُ أَحَدٌ وَصَفَهُ مِنْ مَعَايِنَهُ، وَلَا يُجْدِي أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَعَلَانِيةٍ إِلَّا بِمَاذَلٍ عَزَّوْجَلٍ عَلَى نَفْسِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهَ الَّذِي مَلَأَ الْأَهْرَارَ قُدْسَهُ، وَالَّذِي يَعْشِي الْأَبْدَ نُورُهُ، وَالَّذِي يُنْقِدُ أَمْرَهُ بِلَامْسَاوَرَةِ مُشِيرٍ وَلَامْعَةِ شَرِيكٍ فِي تَشْدِيرِهِ وَلَايْعَوْنَ فِي تَدْبِيرِهِ. صَوْرَ ما ابْتَدَعَ عَلَى عَيْرِ مِثْلٍ، وَخَلَقَ مَا خَلَقَ بِلَامْعُونَةِ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكَلُّفٍ وَلَا احْتِيَالٍ. أَشَأَهَا فَقَاثَ وَبَرَأَهَا فَبَاثَ.

فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهٌ إِلَّا هُوَ الْمُثْقِنُ الصَّنْعَةُ، الْحَسْنُ الصَّنْعِيَةُ، الْعَدْنُ الَّذِي لَا يَجُوْرُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجُعُ إِلَيْهِ الْأَمْوَارُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهَ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَدَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُرْتَهِ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهِبَّتِهِ، مَلِكُ الْأَمْلَاكِ وَمَفَالِكِ الْأَفْلَاكِ وَمَسْخَرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلِ مُسْمَى. يَكُوْرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيَكُوْرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يَطْلُبُهُ حَيْثِيَا. قَاصِمُ كُلِّ جَبَارٍ عَنِيدٍ وَمُهَكِّمٍ كُلِّ شَيْطَانٍ مُرِيدٍ.

لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌ وَلَا مَعَهُ نِدٌّ أَحَدٌ صَدَمَ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ. إِلَهٌ وَاحِدٌ مَاجِدٌ يَشَاءُ فَيُمْضِي، وَيَرِيدُ فَيُقْضِي، وَيَقْلُمُ فَيُحَصِّي، وَيَمْيِثُ وَيُحْيِي، وَيَقْرُرُ وَيُغْنِي، وَيَضْحِكُ وَيَبْكِي، (وَيَدْنِي وَيَقْصِي) وَيَمْنَعُ وَيَعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

يُولُجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولُجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لِإِلَهٌ إِلَهُ الْغَرِيزِ الْغَفَارُ. مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَمَجْزُونُ الْعَطَاءِ، مُحَصِّنُ الْأَنْفَاسِ وَرَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ، الَّذِي لَا يَشْكُلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَلَا يَضْحِرُهُ صَرَاخُ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَلَا يَبْرُأُهُمُ الْمُلْحِينَ.

الْأَعْاصِمُ لِالصَّالِحِينَ، وَالْمُؤْفَقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَمُؤْلِي الْمُؤْمِنِينَ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ. الَّذِي اسْتَحْقَ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمِدُهُ (عَلَى كُلِّ حَالٍ).

أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ دَانِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَأَوْمَنْ بِهِ وَبِمَلَانِتَهِ وَكَتْبَهِ وَرُسْلَنِهِ. أَسْمَعَ لَأَمْرِهِ وَأَطْبِعَ وَأَبَدِرَ إِلَى كُلِّ مَا يَرِضَاهُ وَأَسْتَسْلَمَ لِمَا يَفْضَاهُ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ غُوْبَتِهِ، لَأَنَّهُ اللَّهَ الَّذِي لَا يَوْمَنْ مَكْرَهَةً وَلَا يَخْافُهُ جُوْرَهُ.

وَأَقْرَلَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَشْهَدُهُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأَوْدَيَ مَا أَوْحَى بِهِ إِلَيْهِ حَدَّرَأَ مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحَلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةً لَا يَدْفَعُهَا عَنِي أَحَدٌ وَإِنْ عَظَمَتْ حِيلَتَهُ وَصَفَّتْ خَلَتَهُ

- لِإِلَهٌ إِلَهُ - لَأَنَّهُ قَدْ أَغْلَمَنِي أَنَّيْ إِنْ لَمْ أَبْلُغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَ (فِي حَقِّ عَلِيٍ) فَمَا بَلَغَ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ ضَمَنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ (مِنَ النَّاسِ) وَهُوَ اللَّهُ الْحَافِي الْكَرِيمُ.

فَأَوْحَى إِلَيْ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَغْ مَا أَنْزَلْتِ إِلَيْكَ - فِي عَلِيٍ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيٍ بْنُ أَبِي طَالِبٍ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغَتْ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

مَعَاشِ النَّاسِ، مَا قَصَرْتُ فِي تَبْلِغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَ، وَأَنَا أَبِيئُنْ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ: إِنَّ جَبَرِيلَ هَبَطَ إِلَيْ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهُدَ فَأَعْلَمُ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدٍ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيَ وَخَلِيقَتِي (عَلِيٌ أَمْتَنِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلَّهُ مِنْهُ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَأَنْبِي بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ.

وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ (هِيَ): (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا إِلَيْهِمْ يُقْمِنُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)، وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقْامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يَرِيدُ اللَّهَ عَزَّوْجَلٍ فِي كُلِّ حَالٍ.

وَسَأَلْتُ جَبْرِيلَ أَنْ يَسْتَغْفِي لِي (السَّلَام) عَنْ تَبْلِغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقَلْةِ الْمُتَقِينَ وَكُثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْغَالِ الْلَّانِمِينَ وَ حِيلَ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالْسَّيِّئِهِ مَا لِيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَيَسْبِيُونَهُ هَيْنَا وَ هُوَ عَنِ اللَّهِ عَظِيمٌ.

وَكُثْرَةُ أَذَاهُمْ لِي عَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَّوْنِي أَذْنَانِي وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكُثْرَةِ مَلَازِمِهِ إِيَّيِّي وَ إِقْبَالِي عَلَيْهِ (وَ هَوَاهُ وَ قَبْوَلُهُ مِنِّي) حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي ذَلِكَ (وَ مِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذِنُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذْنَانُ، قُلْ أَذْنَانُ - عَلَى الَّذِينَ يَرْعَمُونَ أَذْنَانَهُ أَذْنَانَ) - خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) الْآيَةُ.

وَتَوَشَّنْتُ أَنْ أَسْمَى الْقَانِيْنَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ أَسْمَيْتُ وَأَنْ أُوْمِئَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ وَأَنْ أَدْلِيَ عَلَيْهِمْ لَدَلَّتُ، وَلِكَيْ وَاللهُ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ. وَكُلُّ ذَلِكَ لَا يُرْضِي اللَّهَ مَنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ)، ثُمَّ تَلَّا: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَ أَنْ لَمْ تَفْعُلْ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ وَاللهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).



فَاعْلَمُوا مَعَاشِ النَّاسِ (ذَلِكَ فِيهِ وَأَفْهَمُوهُ وَأَخْلَمُوا) أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيَأْ وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَ عَلَى الْبَادِيِّ وَالْحَاضِرِ، وَ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحَرَّ وَالْمَطْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَ عَلَى كُلِّ مُؤْدِدٍ.

ماضٍ حُكْمَهُ، جازٍ قَوْلُهُ، نافِدٌ أَمْرُهُ، مُلْعُونٌ مِنْ خَالِفَهُ، مُرْحُومٌ مِنْ تَبَعَّهُ وَ صَدَقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمَعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِ النَّاسِ، إِنَّهُ أَخْرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَسْهُدِ، فَاسْمَعُوهُ وَ اطْبِعُوهُ وَ انْقَادُوهُ لِأَمْرِ (اللَّه) رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مُؤْلِكُمْ وَإِلَاهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيُّهُ الْمُخَاطِبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلَيْ وَلِيَّمُ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرَيْتِي مِنْ وَلْدِهِ إِلَيَّ يَوْمَ تَلَقَّنَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ.

لَا خَلَالٌ إِلَّا مَا أَخْلَأَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا خَرَامٌ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ (عَلَيْهِمْ) وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَرَفَنِي الْخَلَالُ وَالْخَرَامُ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَمْنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَخَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ إِلَيْهِ.

مَعَاشِ النَّاسِ، (فَضْلُوهُ). مَامِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَ كُلُّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُهُ عَلَيْأَ، وَهُوَ الْإِمامُ الْمُبَيِّنُ (الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَسٍ: (وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْتَهُ فِي إِمَامٍ مُبَيِّنٍ)).

مَعَاشِ النَّاسِ، لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَ لَا تَشْفِرُوا مِنْهُ، وَ لَا تَسْتَكْفِفُوا عَنْ وَلَاتِيْهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ يَعْمَلُ بِهِ، وَ يُرْهِقُ الْبَاطِلَ وَ يَهْبِي عَنْهُ، وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَا يَمِّ. أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ رَسُولِهِ (لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَيَّ الْأَيْمَانَ بِأَحَدٍ)، وَالَّذِي فَدَى رَسُولُ اللهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللهِ وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ عَيْرَهُ.

(أَوَّلُ النَّاسِ صَلَادَةً وَ أَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللهَ مَعِي. أَمْرَتُهُ عَنِ اللهِ أَنْ يَتَامَ فِي مَضْجَعِي، فَفَعَلَ فَادِيًّا لِي بِنَفْسِهِ).



معاشر الناس، فَضْلُوهُ فَقْدٌ فَضْلَهُ اللَّهُ، وَفَضْلُوهُ فَقْدٌ نَصْبَهُ اللَّهُ.

معاشر الناس، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَيْ أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَغَافَلُهُ، حَتَّمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعُلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نُكْرًا أَبَدًا الْأَبَدِ وَدَهْرَ الدُّهُورِ. فَاحْذِرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ. فَتَنْصُلُوا نَارًا وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أَعْدَتْ لِلْكَافِرِينَ.

معاشر الناس، بي - والله - بَشَّرَ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا - (والله) - خَاتَمُ الْأُنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمُخْلُوقِينِ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ. فَمَنْ شَكَ فِي ذَلِكَ فَقُوْنَ كُفَّرَ كُفَّرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَمِنْ شَكٍّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقْدٌ شَكٌّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ، وَمَمْنَ شَكٍّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَنْتَهَى فَقْدٌ شَكٌّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَالشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

معاشر الناس، حَبَانِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَ بِهِذِهِ الْفَضْلَيْةِ مَنْ مِنْهُ عَلَى وَإِحْسَانِهِ مِنْهُ إِلَى وَلَا إِلَهَ إِلَّاهُو، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنْيَ أَبَدَ الْأَبِدِيْنَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِيْنَ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ.

معاشر الناس، فَضْلُوا عَلَيْاً فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكْرِ وَأَنْثِي مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ.

مَلُوعُونَ مَلُوعُونَ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مِنْ رَدَ عَلَى قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ.

أَلَا إِنَّ جَبْرِيلَ خَبَرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: «مَنْ عَادِيَ عَلَيْاً وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَعَصْبِي»، (وَلَنْ تُنْظَرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمْتُ لِيَدِي وَاتَّقُوكَ اللهُ أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَرِكَ قَدْمَ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ).

معاشر الناس، إِنَّهُ جَبْرُ اللهُ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ تَعَالَى (مُحَمَّراً عَمَّنْ يُخَالِفُهُ): (أَنْ تَقُولُ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَيْ ما فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللهِ).

معاشر الناس، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَأَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَأَنْظُرُوا إِلَيْ مُحَمَّمَاتِهِ وَلَا تَسْتَبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، فَوَاللهِ لَنْ يَبْيَئَ لَكُمْ زَوْاجَهُ وَلَنْ يُوضَعْ لَكُمْ تَفْسِيرَةٍ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذُ بِيَدِهِ وَمُصْنَعُهُ إِلَيْ وَشَانَ بِعَضِيهِ (وَرَافِعُهُ بِيَدِي) وَمُغَلِّمُكُمْ: أَنْ مَنْ كَنْتُ مُؤْلَهُ فَهُدَا عَلَيْ مُؤْلَهٍ، وَهُوَ عَلَيْ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي، وَمُوَالِتَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَ أَنْزَلَهَا عَلَيْ.

معاشر الناس، إِنَّ عَلَيَا وَالْطَّيَّبِينَ مِنْ وُلْدِي (مِنْ صُلْبِي) هُمُ الْشَّقْلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الْقُلْنُ الْأَكْبَرُ، فَقُلْ وَاحِدٌ مِنْهُمَا مِنْيَ عَنْ صَاحِبِهِ وَمُوَافِقِهِ، لَئِنْ يَقْتَرِنَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخُوضِ.

أَلَا إِنَّهُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَحُكَّامُهُ فِي أَرْضِهِ. أَلَا وَقَدْ أَذَيْتُ.

أَلَا وَقَدْ بَلَغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْضَعْتُ، أَلَا وَقَدْ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَ قَالَ وَأَنَا فَلَمْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَ، أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي هَذَا، أَلَا لَاتَّحِلْ إِمَرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لَأِحْدِي غَيْرِهِ.

ثُمَّ قَالَ: «إِيَّاهَا النَّاسُ، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ. قَالَ: أَلَا مَنْ كَنْتُ مُؤْلَهُ فَهُدَا عَلَيْ مُؤْلَهٍ، اللَّهُمَّ وَالَّهُ وَالَّهُ وَعَادَ مَنْ عَادَهُ وَأَنْصَرَ مَنْ نَصَرَهُ وَأَخْذَلَ مَنْ خَلَلَهُ.

معاشر الناس، هَذَا عَلَيْ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَاعِي عَلْمِي، وَخَلِيفَتِي فِي أَمْتِي عَلَيْ مَنْ آمَنَ بِي وَعَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَ وَالْذَّاعِي إِلَيْهِ وَالْعَالِمُ بِمَا يَرِضَهُ وَالْمُحَارِبُ لَأَدْعَانِهِ وَالْمُوَالِيُّ عَلَى طَاعَتِهِ وَالْتَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ. إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِلَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ، وَقَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ. يَقُولُ اللَّهُ: (مَا يَبْدَلُ الْقَوْلُ لَدِيْ).

بِأَمْرِكَ يَارَبَّ أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالَّهُ مَنْ وَالَّهُ وَعَادَ مَنْ عَادَهُ (وَأَنْصَرَ مَنْ نَصَرَهُ وَأَخْذَلَ مَنْ خَلَلَهُ) وَالْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَأَعْصَبَ عَلَيْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلَيْ وَلَيْكَ عِنْدَتَبَيْنِ ذَلِكَ وَنَصْبَكَ إِيَّاهُ لِهَا الْيَوْمَ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتَ لَكُمْ دِيَنَكُمْ وَأَتَمَّتُ عَلَيْكُمْ نَعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمُ الْإِسْلَامُ دِيَنِكُمْ)، (وَمَنْ يَبْيَئَ غَيْرَ إِلَهِ إِلَهُ دِيَنِكُمْ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ). اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

معاشر الناس، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَ دِيَنَكُمْ بِإِيمَانِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْمَنْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُولُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَيْ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَيْهِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حِلِّطُوا أَعْمَالَهُمْ (فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) وَفِي التَّارِيْخِ خَالِدُونَ، (لَا يَخْفَى عَلَيْهِمُ الْعِذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ).

معاشر الناس، هذا علي، أنتُرُكم لي وأحقُّكم بي وأقرُّكم إلى وأعزُّكم على، والله عزوجل وآتاكُم راضيان. و مائَزَتْ آيَةُ رضا (في القرآن) إِلَّا فِي، وَلَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَيْهِ، وَلَا تَرَأَتْ آيَةً مَدْحُونَةً فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِي، وَلَا شَهَدَ اللَّهُ بِالجَنَّةِ فِي (هَلْ أَنِّي عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا، وَلَا تَرَأَهَا فِي سَوَادٍ وَلَا مَدْحُونَةٌ بِهَا غَيْرَهُ.

معاشر الناس، هو ناصِرُ دِينِ الله وَالْمُجَاهِلُ عَلَى رَسُولِ اللهِ، وَهُوَ الْقَيْقِيُّ التَّقِيُّ الْمُهَدِّيُّ. نَبِيُّكُمْ خَيْرُكُمْ وَصَاحِبِي (وبِئْرَةُ خَيْرِ الْأُوْصِيَّاتِ).

معاشر الناس، ذَرِّيَّةُكُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صَلَبِهِ، وَذَرِّيَّةٌ مِنْ صَلَبِ (أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ) عَلَيْهِ.

معاشر الناس، إِنَّ إِبْرَيْسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسْدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتُحْبِطُ أَعْمَالَكُمْ وَتُرُولُ أَفْدَامَكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَيَّ الْأَرْضَ بِخَطِيَّةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَنْفُهُ اللَّهُ عَزوجل، وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ،

أَلَا وَإِنَّهُ لَا يُغْنِضُ عَلَيْهَا إِلَّا أَشْقَى، وَلَا يُوَالِي عَلَيْهَا إِلَّا تَقِيٌّ، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.

وَفِي عَلِيٍّ - وَاللهُ - تَرَأَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي حُسْنٍ) (إِلَّا عَلَيْهَا أَذْنَانُ وَرَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّابِرِ).

معاشر الناس، قَدِ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُمْ رِسَالَتِي وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا بَلَاغُ الْمُبَيِّنِ.

معاشر الناس، (إِنَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَانِهِ وَلَا تَمْوَثُنَ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ).

معاشر الناس، (آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورُ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَنْظَمَ وُجُوهًا فَقَرَدَهَا عَلَى أَذْبَارِهَا أَوْ تَنْعَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّيْئَةِ). (بِاللهِ مَا عَنِّي بِهِذِهِ الْأَيَّةِ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرَفُهُمْ بِأَسْمَاهُمْ وَأَنْسَابِهِمْ، وَقَدْ أَمْرَتُ بِالصَّقْحِ عَنْهُمْ فَلَيَعْمَلُ كُلُّ امْرِي عَلَيْهِ مَا يَجِدُ لِعَلِيٍّ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُصْرِ).

معاشر الناس، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزوجل مَسْلُوكٌ فِي ثَمَّ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثَمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَانِيمِ الْمُهَدِّيِ الَّذِي يَأْذُدُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لَأَنَّ اللَّهَ عَزوجل قَدْ جَعَلَنَا حَجَّةً عَلَى الْمُقَسِّرِينَ وَالْمُغَادِرِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَانِقِينَ وَالظَّالِمِينَ وَالْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

معاشر الناس، أَنْذِرُكُمْ أَنَّى رَسُولَ اللَّهِ قَدْخَلَثُ مِنْ قَبْلِي الرَّسُولِ، أَفَإِنِّي مِثْ أَوْفَتُ أَنْقَلَبَتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقُلِبَ عَلَى عَقِيبِهِ فَلَنْ يَصْرَرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسِيَّجُزِيَ اللَّهُ التَّشَاكِيرِينَ (الصَّابِرِينَ). الْأَوَّلُ عَلَيْهِ هُوَ الْمُوْصُوفُ بِالصَّابِرِ وَالشَّكَرِ، ثَمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدِي مِنْ صَلَبِهِ.

معاشر الناس، لَا تَنْتَنُوا عَلَى يَاسِلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَنْتَنُوا عَلَى اللَّهِ فَيُبَطِّلُ عَمَلَكُمْ وَيَسْنَطُ عَلَيْكُمْ وَيَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاظِ مِنْ نَارٍ وَثَحَاسٍ، إِنَّ رَبَّكُمْ لَبِ المِرْصادِ.

معاشر الناس، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أَنَّهُ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ. معاشر الناس، إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بِرِينَانِ مِنْهُمْ.

معاشر الناس، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارُهُمْ وَأَشْيَاعُهُمْ فِي الدُّرُّكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَيْسَ مِنْهُمْ مُنْتَهِيُّ الْمُتَكَبِّرِينَ. أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلَيَنْهَا أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ!!

معاشر الناس، إِنَّى أَذْعَها إِمَامَةً وَوِرَاثَةً (فِي عَقِيبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)، وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أَمْرَتُ بِتَبَلِيغِهِ حَجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهَدَ أَوْلَمْ يَشَهُدُ، وَلَدَ أَوْلَمْ يَوْلَدُ، فَلَيَبْلُغَ الْحَاضِرُ الْغَافِرُ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَسِيَّجُلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَأَعْصَابًا، (أَلَا لَعَنَ اللَّهِ الْغَاصِبِينَ الْمُغَصِّبِينَ)، وَعِنْدَهَا سِيَّرُ لَكُمْ أَيَّهَا التَّقَلُّنَ (مِنْ يَقْرَعَ) وَبِرُسْلٍ عَلَيْكُمْ شَوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَثَحَاسٍ فَلَا تَنْصَرُونَ.

معاشر الناس، إِنَّ اللَّهَ عَزوجل لَمْ يَكُنْ لِيَذَرُكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَيْبَثَ مِنَ الطَّيْبِ، وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَطْلَعُكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

معاشر الناس، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا يَتَذَكَّرُهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمُكْلِكُهَا الْإِمَامُ الْمُهَدِّيُّ وَاللَّهُ مَصْدَقٌ وَّعْدُهُ.

معاشر الناس، قَدْ ضَلَّ قَبَّلَكُمْ أَكْثَرَ الْأُوْلَائِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأُوْلَائِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِيَّةِ.

قال الله تعالى: (أَلَمْ تُهَلِّكِ الْأُوْلَائِينَ، ثُمَّ تُنْسِعُهُمُ الْآخِرِيَّةِ، كَذَلِكَ تَنْعَلُ بِالْمُجْرَمِينَ، وَلَيَنْهَا لِلْمَكَبِّلِينَ).

معاشر الناس، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمْرَنِي وَنَهَاني، وَقَدْ أَمْرَتُ عَلَيْهَا وَنَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَقِيلَ الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ لِدِيَهُ، فَأَسْمَعُوهُ لَا مُرْهُ تَسْلُمُوا وَأَطْيَعُوهُ تَهْتَنُوا وَأَنْتُهُو لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا، (وَصِيرُوا إِلَى مُرَادِهِ) وَلَا تَتَفَرَّقُ بِكُمُ السُّبُّلُ عَنْ سَبِيلِهِ.

معاشر الناس، أَنَا صِرَاطُ اللهِ الْمُسْتَقِيمُ الَّذِي أَمْرَكُم بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلَىٰ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وَلْدِي مِنْ صَلْبِهِ أَئِمَّةُ (الْهُدَى)، يَهُدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدُلُونَ.

ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» إِلَى آخرِها،

وَقَالَ: فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ (وَاللهُ تَرَأَّسْ)، وَلَهُمْ عَثَّ وَإِبَاهُمْ خَصَّتْ، أَولَنِكُمْ أُولَيَاءُ اللهِ الَّذِينَ لَا خُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْرُونَ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَافُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوحِي بِضُلُّهُمْ إِلَيْهِمْ بَعْضُ رُجُونَ الْفَوْلَ غُرُورًا. أَلَا إِنَّ أُولَيَاءَ اللهِ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادِونَ مَنْ حَادَ اللهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَانَهُمْ أَوْ أَخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتِهِمْ، أَوْ لَنِكُمْ كَتَبْ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ) إِلَى آخرِ الآيةِ.

أَلَا إِنَّ أُولَيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُلْسِنُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أَوْ لَنِكُمْ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ).

(أَلَا إِنَّ أُولَيَاءَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَرْتَابُوا).

أَلَا إِنَّ أُولَيَاءَهُمُ الَّذِينَ يُدْخِلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ، شَتَّاقِهِمُ الْمَلَائِكَةُ بِالسَّلَامِ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْهِمْ طَبِّئُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ.

أَلَا إِنَّ أُولَيَاءَهُمُ، لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بَعْيَرِ حِسَابٍ. أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ يَصْنَعُونَ سَعِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِجَهَنَّمَ شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ وَيَهُونُ لَهَا زَفِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللهُ فِيهِمْ: (كُلُّمَا دَخَلْتُ أَمَّةً لَعَنَّتْ أَخْتَهَا) الآيةُ.

أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ: (كُلُّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فُوْجٌ سَالَهُمْ حَرَثُنَاهَا أَلَمْ يَأْتُكُمْ نَذِيرٌ فَكَذَبْنَا وَقَلَّنَا مَا نَزَّلَ اللهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ) إِلَيْهِ قَوْلُهُ: (الْأَفْسُحُوا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ). أَلَا إِنَّ أُولَيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْسُنُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ.

معاشر الناس، شَتَّانٌ مَابَيِّنُ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ.

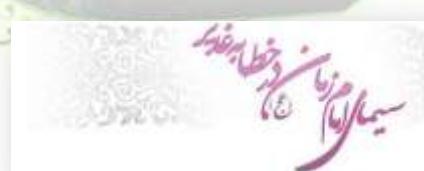
(معاشر الناس)، عَذَّوْنَا مِنْ دَمَاهُ اللهُ وَلَعْنَهُ، وَوَلَيْتَنَا (كُلُّ) مِنْ مَذَاهِهِ اللهُ وَأَحْبَاهُ.

معاشر الناس، أَلَا وَإِنِّي (أَنَا) النَّذِيرُ وَعَلَيَّ الْبَشِّيرُ.

معاشر الناس)، أَلَا وَإِنِّي مُنْذِرٌ وَعَلَيَّ هَادِ.

معاشر الناس (أَلَا) وَإِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَيَّ وَصِيبَيٌّ.

(معاشر الناس)، أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ وَعَلَيَّ الْإِمَامُ وَالْوَصِيٌّ مِنْ بَعْدِي، وَالْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدُهُ. أَلَا وَإِنِّي وَالْدَّهُمُ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صَلْبِهِ).



أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَيَّ الدِّينِ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْمُصْرُونَ وَهَادِمُهَا.

أَلَا إِنَّهُ غَالِبٌ كُلَّ قَبْلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرِّ وَهَادِيَهَا.

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لَا وَلِيَاءَ اللهِ.

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ.

أَلَا إِنَّهُ الْغَرَافُ مِنْ بَحْرٍ عَمِيقٍ.

أَلَا إِنَّهُ يَسِّمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.

أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَمُخْتَارُهُ.

أَلَا إِنَّهُ وَارَثُ كُلَّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَ وَالْمُشَيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ.

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْفُرْقَانِ بَيْنَ يَدِيهِ.

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حَجَّهُ وَلَا حَجَّهُ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَامَهُ وَلَا نُورَ إِلَاعِنَهُ.

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مُنْصُورَ عَلَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكَمَهُ فِي خَلْقِهِ، وَأَمْيَنَهُ فِي سِرَّهُ وَعَلَيْتِهِ.



مَعَاشِ النَّاسِ، إِنِّي قَدْبَيْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ بَعْدِي، وَهَذَا عَلَى يَقْهُمُمْ بَعْدِي. الْأَوَّلَيْنِ عَنْ أَنْقَصَاءِ خُطْبَتِي أَذْعُوكُمْ إِلَيْ مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَالْإِفْرَارِيَّهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي. الْأَوَّلَيْنِ قَدْ بَاْيَقَتُ اللَّهَ وَعَلَى قَدْ بَاْيَقَنِي. وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَ. (إِنَّ الَّذِينَ يُبَاْيِعُونَكُمْ إِنَّمَا يُبَاْيِعُونَ اللَّهَ، يَأْدَلُ اللَّهُ عَنْهُمْ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَيْ نَفْسِهِ، وَمَنْ أُوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

مَعَاشِ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْمُغْرَةَ مِنْ شَعَارِ اللَّهِ، (فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اخْتَرَ فَلَاجْنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطْوَّفَ بِهِمَا) الْآيَةُ.

مَعَاشِ النَّاسِ، حُجُّ الْبَيْتِ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَعْنُوا وَأَبْشِرُوا، وَلَا تَخْلُفُوا عَنْهُ الْأَبْيَتُوا وَأَفْتَرُوا.

مَعَاشِ النَّاسِ، مَا وَقَفَ بِالْمُوْقَبِ مُؤْمِنًا إِلَيْ أَغْفَرَ اللَّهَ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذِلِكَ، فَإِنَّا أَنْقَضْنَا حَجَّهُ أَسْتَانَفْ عَمَلَهُ.

مَعَاشِ النَّاسِ، الْحُجَّاجُ مَعَاشُونَ وَنَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

مَعَاشِ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْهِ، وَلَا تَنْصَرُفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةِ وَإِفْلَاعِ.

مَعَاشِ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الرِّزْكَاهَ كَمَا أَمْرَمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمْدُ فَمَقْصَرُثُمْ أَوْ تَسِيَّثُمْ فَعَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ وَمُبَيِّنُ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينٌ خَلَقَهُ إِنَّهُ مِنِي وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ مَنْ تَخْلُفُ مِنْ ذُرَيْتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا سَلَوْنَ عَنْهُ وَبَيْبَيُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُمِنْ أَنْ أَحْصِيَهُمَا وَأَعْرِهِمَا فَأَمِرَ بِالْحَلَالِ وَأَنْهِي عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمِرْتُ أَنْ أَخْذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جَنَّثَ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأُوْصَيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِي وَمِنْهُ إِمامَةٌ فِيهِمْ قَانِمَةٌ، خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَيْهِ يَوْمٍ يَأْفِي اللَّهُ الَّذِي يَقْدِرُ وَيَنْضِي.

معاشر الناس، وَكُلُّ حَالٍ نَلَتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنَّمَا لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أَبْدَلْ. أَلَا فَأَذْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصُّوْبِهِ، وَلَا تُبَلُّوهُ وَلَا تُغَيِّرُوهُ. أَلَا وَإِنِّي أَجَدُ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّوَا الرَّكَأَةَ وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهُوا عَنِ الْمُنْكَرِ.

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَتَهَوَّ إِلَيْ قَوْلِي وَتَبَلُّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَوْلِهِ عَنِ وَتَهُوَةَ عَنْ مُخَالَفِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمِنِّي. وَلَا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيٌ عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعْ إِمَامٍ مَفْصُومٍ.

معاشر الناس، القرآن يُعرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَمْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدُهُ، وَعَرَّفَتُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ). وَقَالَ: «لَئِنْ تَضَلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِمَا».

معاشر الناس، التَّقْوِي، التَّشْوِي، وَاخْتَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (إِنَّ زِلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ). اذْكُرُوا الْمَمَاتَ (وَالْمَعَادَ) وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمُحَاسِبَةَ بَيْنَ يَدِي رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالثَّوَابَ وَالْعِقَابَ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أُثْبَتَ عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالْسَّيِّئَةِ فَقَيْسَرَ لَهُ فِي الْجَنَانِ تَصِيبَ.

معاشر الناس، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَاصِفُونِي بِكَفَّ وَاحِدٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمْرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَخْذَ مِنْ إِسْنَتِكُمُ الْإِهْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِعَلِيِّي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَمْنَ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَمْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ، عَلَى مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ دُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِيِّي.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ مُطْبِعُونَ رَاضِيُّونَ مُنْقَدِّونَ لِمَا بَلَغْتُ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكُمْ فِي أَمْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وَلَدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنْ الْأَمْمَةِ. نُبَايِعُكَ عَلَيْ ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسَّيْنَتَا وَأَيْدِينَا. عَلَيْ ذَلِكَ نَحْيِ وَعَلَيْهِ نَمُوتُ وَعَلَيْهِ نُبَعْثُ. وَلَا نُغَيِّرُ وَلَا نُبَدِّلُ، وَلَا نُشَكُُ (وَلَا نُجَدُ) وَلَا نُرْتَابُ، وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلَا نُنَضِّنُ الْمِيثَاقَ.

وَعَظَّنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلِيِّي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَمْمَةِ الَّذِينَ ذَكَرْتُ مِنْ ذُرْبِكَ مِنْ وَلَدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنَ وَالْحَسِينَ وَمِنْ تَصْبَهَ اللَّهِ بَعْدَهُمَا. فَلَعْنَهُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَأْخُوذٌ مِنِّي، مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسَّيْنَتَا وَضَمَانِرِنَا وَأَيْدِينَا. مِنْ ذُرْبَهَا بِيَدِهِ وَإِلَّا فَقَدْ أَفَّرَ بِلِسَانِهِ، وَلَا نُبَتَّغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَرِي اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا. تَحْنُنُ نُوَّةِي ذَلِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهْلَنَا، وَتُشَهِّدُ اللَّهُ بِذَلِكَ وَقَفَيْ باللَّهِ شَهِيدًا وَأَنَّهُ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ».

معاشر الناس، مَا تَشَوَّلُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةً كُلَّ نَفْسٍ، (فَمَنْ اهْتَدَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضْلُلُ عَلَيْهَا)، وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يَبَايِعُ اللَّهَ، (يَدِ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ).

معاشر الناس، قَبَّا يَدُوُّ اللَّهِ وَبَأْيُونِي وَبَأْيُونُوا عَلَيْاً أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحَسِينَ وَالْأَمْمَةَ (مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) كَلِمَةً بَاقِيَةً.

يَهْلِكُ اللَّهُ مِنْ عَذَّرٍ وَيَرْحُمُ مِنْ وَفِي، (وَمَنْ نَكَّ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَيْ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِهَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

معاشر الناس، قُولُوا الَّذِي قَلَّتْ لَكُمْ وَسَلَّمُوا عَلَيْهِ بِإِمَرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقُولُوا: (سَمِعْنَا وَأَطْعَنَا خَفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ)، وَقُولُوا: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا إِلَهُهَا وَمَا كَنَّا لِنَهْتَدِي لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) الآية.

معاشر الناس، إِنَّ فَضَائِلَ عَلَيْ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ - وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأْتُمْ بِهَا وَعَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ.

معاشر الناس، مَنْ يُطِعُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالْأَمْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُمُوهُمْ فَقَدْ فَازُوْرُوا عَظِيمًا.

معاشر الناس، السَّاَبِقُونَ إِلَيْ مَبَايِعَتِهِ وَمُوَالَاتِهِ وَالسَّلِيمُ عَلَيْهِ بِإِمَرَةِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَارِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

معاشر الناس، قُولُوا مَا يَرْضِي اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَئِنْ يَضْرِرَ اللَّهُ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ أَعْفُ لِلْمُؤْمِنِينَ (بِمَا أَدَيْتُ وَأَمْرَتُهُ) وَأَعْذِبْ عَلَيْهِ (الْجَاهِدِينَ) الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.





مولای ما نمونه دیگر نداشته است
 اعجاز خلقت است و برابر نداشته است
 وقت طواف دور حرم فکر می‌کنم
 این خانه بی دلیل ترک برنداشته است
 دیدیم در غیر که دنیا به جز علی
 آینه‌ای برای پیمیر نداشته است
 سوگند می‌خورم که نبی شهر علم بود
 شهری که جز علی در دیگر نداشته است
 طوری ز چارچوب، در قلعه کنده است
 انگار قلعه هیچ زمان در نداشته است
 یا غیر لافتی صفتی در خورش نبود
 یا جبرئیل واژه بهتر نداشته است
 چون روز روشن است که در جهل گمشده است
 هر کس که ختم ناد علی بر نداشته است
 این شعر استعاره ندارد برای او
 تقصیر من که نیست برابر نداشته است

سید حمیدرضا بر قعی



شعر سید حمیدرضا بر قعی برای حضرت علی(ع)

مصرع ناقص من کاش که کامل می شد
شعر در وصف تو از سوی تو نازل می شد

شعر در شأن تو شرمنده به همراهم نیست
واژه در دست من آنگونه که می خواهم نیست

من که حیران نو حیران نوام می دام
نه فقط من که در این دایره سرگردانم

همه‌ی عالم و آدم به تو می اندیشد
شک ندارم که خدا هم به تو می اندیشد

کعبه از راز جهان راز خدا آگاه است
راز ایجاز خدا نقطه‌ی بسم الله است

کعبه افتاده به پایت سر راهت سرمست
«پیرهن چاک و غزل خوان و صراحی در دست»

کعبه وقتی که در آغوش خودش یوسف دید
خود زلیخا شد و خود پیرهن صبر درید

کعبه بر سینه‌ی خود نام تو ای مرد نوشت
قلم خواجه‌ی شیراز کم آورد، نوشت

ناگهان پرده برانداخته ای یعنی چه»
 «مست از خانه برون تاخته ای یعنی چه

راز خلقت همه پنهان شده در عین علی سست
 کهکشان ها نخی از وصله‌ی نعلین علی سست

روز و شب از تو قضا از تو قدر می‌گوید
 ها علیُّ بشرُّ کیفَ بشرُّ می‌گوید»

می‌رسد دست شکوه تو به سقف ملکوت
 ای که فتح ملکوت است برای تو هبوط

نه فقط دست زمین از تو تو را می‌خواهد
 سالیانی سست که معراج خدا می‌خواهد

زیر پای تو به زانوی ادب بنشیند
 لحظه‌ای جای پیتیمان عرب بنشیند

دم به دم عمر تو تلمیح خدا بود علی
 رقص شمشیر تو تفریح خدا بود علی

وای اگر تیغ دو دم را به کمر می‌بستی
 وای اگر پارچه‌ی زرد به سر می‌بستی

در هوا تیغ دو دم نعره‌ی هو هو می‌زد
 نعره‌ی حیدریه «أین تقو» می‌زد

بار دیگر سپر و تیغ و علم را بردار
 پا در این دایره بگذار عدم را بردار

بعد از آن روز که در کعبه پدیدار شدی
 یازده مرتبه در آینه تکرار شدی

راز خلقت همه پنهان شده در عین علی سست
 کهکشان ها نخی از وصله‌ی نعلین علی سست

روز و شب از تو قضا از تو قدر می‌گوید
 ها علیُّ بشرُّ کیفَ بشرُّ می‌گوید»



<http://www.aparat.com/v/57Fb1>

شعرخوانی سید حمید رضا بر قعی در شب عید غدیر (قسمت اول)

<http://www.aparat.com/v/BOcyl>

شعرخوانی سید حمید رضا بر قعی در شب عید غدیر (قسمت دوم)